

آیین دادرسی کیفری - در حکم مهارت‌های جلسه اول -

در این دادرسی کیفری به سویی ساده یا قانونگذار بین قواعد و مقررات ، قابل به تفکیک شده است.

قواعد و مقرراتی در دادرسی کیفری است که به عنوان اصول خانم در دادرسی از سوی مجمع قضایی جایز است.

ما قبله اصولی طرفی ، اصل استقلال در قضای ، اصل عدم اطلاع دادرسی کیفری ، ماده ۳ به این اصول به عنوان قواعد دادرسی تصریح شده است.

کاماسوادی ۵۶

اولاً مهارت‌ها ، اجرای این قواعد ، مشخص نموده و ثانیاً ضمانت اجرای عدم رعایت قواعد اجرائی است تحت عنوان مقررات دادرسی کیفری قرار می‌گیرد.

قضا زدای یا رسیدگی انضباطی به سویی ساده یا غیره می‌شود. به این معنا که اصل در تقیم مهارت‌ها در دعای کیفری است به شکایت جزای است و به همین دلیل در اصل دادرسی بعد از اکتساب ، تحقیق و تعقیب ، اجتهاد میانجیگری و صلح بین طرفین دعوی کیفری اولویت دارد و سپس نحوه رسیدگی در اصل دادرسی کیفری قرار می‌گیرد در مقام قضایی در جایگاه میانجی ، صرفاً در نگاه طرفین دعوی است که در یک یا چند مورد آنکه تصمیم جزای طرفین متصل شود. به این اصل در میانجیگری ، تعیین کننده اصلی طرفین مقام قضایی به سویی ساده ۳ است.

مانند فلان مرحله رسیدگی انضباطی توسط میانجیگری و صلح ، امتنعین یا در مرحله دو حالت تلقی کرده است.

۱۱ اگر رئیس دادگاه برای صلح به نتیجه می‌رسد و اساساً وارد مرحله رسیدگی (مناجیه) نمی‌شود.

۱۲ اگر رئیس دادگاه منتج به قضا زدای نمی‌شود و بنا بر این مرحله بعد از رسیدگی انضباطی طبق ماده ۱۳ در مرحله نحوه رسیدگی است.

رای در عنای اعم کلمه مستعمل بر علم یا تمام است و به همین دلیل صادره رای مستعمل از جمله
نحوه رسیدگی در ماده ۱۱ ذکر شده است. یعنی اعم از اینست صادره رای رسیدگی خارجیه یا
یا که انسان ادانه میدهد رسیدگی و غیره دارد و صادره صرفاً به صورت صورت رسیدگی

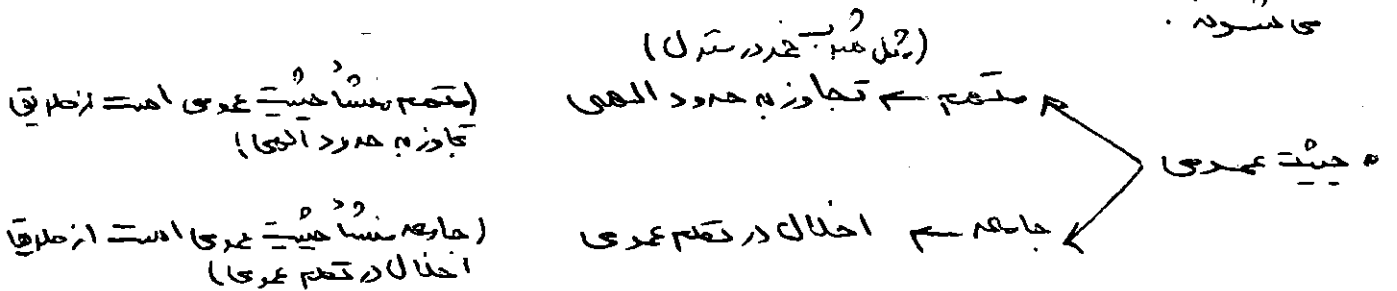
حسین و از دست خود بیرون می آید از جمله همین است که مستعمل بر اعتراض به اراد و اجرائی اراد
می باشد.

طبق ماده ۱۱ تقاضای قضائی و مطالبات و وظایف و اختیاراتی دارد که ناظر به
تغییر حقوق می باشد در جای که منشاء دعوا اعم است که تعرفین به حدود المعنی
بوده است. در واقع صرف نظر از اینست جامع از جرم مستوجب در لفظ دیده است
یا غیره تعرفین به حدود دعوا اداری هیئت عمومی می کند.

با جزه دیده یعنی شخص یا امناص یعنی که مستعمل ضرر خاصی از جرم شده اند و
منشاء هیئت خبری دعوا هیئت. لذا در اداری هیئت نیز دیده خاصیه
ساخته جامع جزه دیده و هر دو ندارد. مستعمل چون جزه دیده یعنی قابل تعیین بران
آن هیئت جزه دیده مستعمل شدن است.

چرا جامع، یعنی جرایمی که اخلال در نظم عمومی ایجاد می کند و جامع منشاء دعوی با
هیئت عمومی می گردد.

به همین دلیل، در ذیل ماده ۱۱ مستعمل، جزه دیده و جامع عرفی حکم می آید
که اگر گفته اند، زیرا هر یک در این امر مستعمل اند که منشاء هیئت در دعوی هیئت
می شوند.



جزه دیده ← ضرر به شخص یا امناص یعنی
جزه دیده منشاء هیئت خبری است از طریق ضرر به شخص یا امناص یعنی
هیئت خبری
"مستعمل" در این جا منشاء هیئت خبری است در حالی که صرف جرم الهی است.

اماره ۱۹

اماره ۱۸

طرح دعوی ممانس منشاء دعوی تقبی ای شود، به همین دلیل است که ماده ۸؛

اولاً تمامی جرایم، امارای جنبه اللوایی دارد.

ثانیاً جرایم اللوایا جاسیت عسری، یا جاسیت عسری طرح ای کند و به همین دلیل

تای جرایم عسری ای در وقت حکم جاسیت عسری ایجا کند و حکم جاسیت عسری.

جریم عسری	←	منشاء دعوی	←	طرح دعوی
جریم عسری با...		تجاوز به حدود الله		دعوی عسری (مهم-عسری)
		۱۳ اطفال در جاسه		دعوی عسری (مهم-عسری)
		۱۴ ضرر به جرم دیده		دعوی عسری (مهم-عسری)

حکمه حکم؟

در حکم قتل عسری بین سه حکم قبل از شناسایی، حکم مقام قضایی و بعد از آن جایه تقبیل قابل حکم، به طوری که قبل از شناسایی جاسیت عسری صادر ولی بعد از شناسایی جاسیت عسری صادر. به همین دلیل است که دعوی حکم قتل عسری، دعوی عسری بحسب ای شود. زیرا مال جاسیت تقبی جرم دیده، تقبی در توقف دعوی عسری صادر.

خبر آنکه دادخواست؟

امانسا شروع حکمه تقبیل و یا توقف حکمه آن را قاطبی به تعیین نوع دعوی که طرح ای شود ندارد. بلکه خبر آنکه دادخواست صرفاً ممانس جاسیت دعوی از نظر صدور دستور تقبیل حکم آن تعیین ای گردد.

الحذا اتم عسیت عسری است، شروع به عسری دادخواست است.

ب) اتم عسیت عسری است، شروع ای تواند جاسیتی یا عسری عسری جاسه. (ماده ۱۱)

امتناد؟

اتم جرم قابل حکم است جاسه، حکم شروع و حکم توقف حکم تقبیل جاسه ای است در این دلیل در این حالت امتنادی از حکم تقبیل حکم تقبیل شروع حکمه و دستور حکمه ای تواند نوع دعوی را مشخص کنیم. (ماده ۱۲)

* نوع دعوی یا عمری است یا غیر عمری
+ اما می‌دعوی فزانه علاوه بر حیثت عمری و حیثت عمری عم و ائمه است یا حاشه
رأی و عدل و در این باره می‌باید در انابت در این حیثت عمری است.

* اصل در این امر است که هم آئینه دعوی ملاک نوع دعوی است و ملاک نوع دعوی، منشاء
دعوی باشد.

چون در این باره اگر عقد تعقیب را در خواست کرده، در خواست تعقیب موجب اختلاف
میزان می‌شود به هر دو صورت.
و اگر همین شکلی علاوه بر درخواست تعقیب و سایر درجیان خاصی از جرم را نیز مطالبه کرده،
مدعی خصوصی خاصه می‌شود و در همین دلیل عنوان مدعی خصوصی موجب نمی‌گردد
جوابی نمی‌شود (ماده ۱۰)

برایم، یا طالب گذشت و یا غیر قابل گذشت هستند و این دو با هم قابل جمع نمی‌باشند.
لذا جرم غیر قابل گذشت، حیثت عمری دارد و اینجکه جزه دیده می‌گردد در ضمن دعوی
کلیتری ضرر و زیان خاصی از جرم را نیز مطالبه کند، حیثت عمری دعوی را از زمین نمی‌برد،
طلب مطالبه ضرر و زیان به قطع آن حیثت عمری است و به همین دلیل می‌تواند از مطالبه
ضرر و زیان در دادگاه کیفری صرفاً نظر کند و اساساً آن را در دادگاه حقوقی مطالبه
کند. لذا مطالبه ضرر و زیان موضوعیت ندارد می‌توانیم بر طبق آن نوع دعوی را
تعیین کنیم. (ماده ۱۲) و (ماده ۱۷)

انواع ضرر و زیان قابل مطالبه : (ماده ۱۴)

۱۱ ضرر و زیان مادی

استظهار از آن هرگونه اختلاف اعم از چیز یا مال عین مادی باشد، که از طریق
استرداد اموال و یا پرداخت قیمت اموال، یا اعاده وضع سابق جزه دیده خارج صورت
نمی‌دهد.

۱۲ ضرر و زیان معنوی

که فائده به جهت حیثت و یا الطهارت روحی است که در آن حاصل الزام به انجام امری
از قبیل عذر خواهی یا افسارگرم در جرایم عادل با حیران خسارت معنوی است.
اگر چه اعاده حیثت به طور عینی صورت نگیرد و اعاده وضع سابق تحقق نشده باشد.
در واقع صرف اهداء الزامی که بر عهده مقدم بوده است، حیران ضرر و زیان معنوی
کفایت کرده است.

در مفسرین علم به ضرر و زیان یعنی ، صدر این علم اختیار دارگاه است . نه از تبصره
ماده ۱۴ از عبارت " دارگاه بی توره " استفاده شده است .

انتفاع صحت ششون ، آری سانسو ؛

در ۱ - چنانچه حرم واقع نمی گشته ، باینکه اختیار قدرتی قابل حصول بود .
حاشیاً - یقیناً به سبب حصول دلیل آن صفت بر امثال کیست ضابطه ذمی ، برخاسته قابل
احراز باشد .

در ای مثال صفت سانسو بد رانده تا کسی ؟

اولاً متعلق است که آن صفت واقع نمی گشته ، به یقین قابل حصول بود .
حاشیاً بر امثال ضابطه عرفی ، کسفل خرد لزماً ایجاب می کرده که ضد از آن صفت
بر خرد دار شود .

به یقین دلیل در صفت صحت الحصول ، اطلاق صدق می کند . یعنی امری یقینی
زیراً از خرد طلب شده است . (تبصره ۲ ماده ۱۴)

۲ در هایی که در صانع مقل الحصول ، یعنی تران عنوان اطلاق را به خارج در چرا ؟
اولاً - آن صفت از دست رفته به یقین دارای سو جردیت نبوده است .
حاشیاً - آن هم می تراشیده حصول شود ، باینکه ضابطه سنی نبوده است و
عرف بر امثال ضابطه ذمی ، آن را صفت از دست رفته متعلق نمی کند .

در صانع قطعی الحصول ، منافعی است که در عین حال وجود دارد و با تم من به عین
مال صفت آن نیز از من می رود . که در این صورت همان ضرر و زیان ماری ، خاطر
به حیران آن صفت قطعی الحصول از دست رفته است .

صانع صحت الحصول و نیز خسارات یعنی ، آنچه دارای صفتی است ، اما این صفت را
مثال در مورد تصداده شده . یعنی در این در سود صفت خاص خاطر بر آن ها سلب
علم دارگاه بی جا شده ؟ استقامت آخر تبصره ۲ ماده ۱۴

۱) کفریات منحصر شمر می - یعنی سوار ای که عنوان اجرم کفری به صراحت و عیناً در
منحصر شمر می تصدیق شده است و مجازات آن نیز محدود به همان نفس شمر می است

که باید به آن اکتفا شود، نه اسناد آن مقررات ضایع منحل العین یا مقررات خسارات
مفقوف را به آن اکتفا نسری داد زیرا در صورت نسری احتمالاً در مقابل نوعی است که باطل
می باشد.

تفاوت بین مقررات خسارات و مقررات ضایع منحل العین در این است که مقررات ضایع منحل العین
آنها را نیز خسارت همان دین می داند و همان مبلغ را اکتفا کرده، لذا مقررات ضایع منحل العین
مقررات نسری شامل دین نمی شود و فقط مقررات دین نیست.

اصل حقوق آراء نسری چه حکم حقوقی؟

به موجب ماده ۱۸ در مواردی که بکلی، مختار واحد در دادگاه نسری، رسیدگی می شود، در
ضررهای مقصوره است؛

۱۱. مختار دارای وصف مجرمانه بوده و ماهیت جزایی، مختار برای دادگاه نسری احد از
شخصه است در رأی قطعی منقح معترضیت به آن امر جزایی صادر شده است. در این
موضوع اگر ضرر در میان فایده از آن جرم در دادگاه حقوقی مطالبه شود، دادگاه حقوقی
ملزم به تقیید از رأی دادگاه نسری است. یعنی در حقوق و بوده ماهیت جزایی دارد.

۱۲. همان مختار واحد دادگاه نسری ماهیت جزایی، یعنی در تقیید عنوان مجرمانه
بر مختار احد از خنجره است که در این صورت دادگاه حقوقی بدون لزوم تقیید
از دادگاه نسری مستقلاً به امر حقوقی حقوق مختار از کلیه رسیدگی خواهد کرد.
* بنابراین برای اصل حقوق جمع در شرط لازم است؛

تقیید رأی نسری ماهیت
موضوعی بودن رأی نسری در امر حقوقی

اصل تقدم آراء نسری عام دعوی خسارتی؟

اولاً، دادگاه نسری اصولاً جایزه های رأی نسری در رأی به جبران ضرر در میان
را رعایت کند. این هزینه که کلیت دادگاه نسری است به موجب ماده ۱۷ از کلمات
منصوبه در رأی نسری احتساب می شود.

کاملاً عدم احکام این تکلیف خاطر به سه ایطی است که رأی به حیران ضرر در میان منوط
به تحقیقات ^{امتیاز} چیست است. که در این صورت به استناد اصل تقدم، دادگاه کیفری رأی
جزای را احکام می کند و حیازت نیست آن را اصولاً به احراز ضرر در میان نگاه

نموده شده است. ^{نموده شده است}
نموده شده است. ^{نموده شده است}
نموده شده است. ^{نموده شده است}

مرحله طرح دعوا تا اعلام منتقم دادرسی،
چنانچه در این مرحله، ضرر در میان نیز از دادگاه کیفری مطالبه شود، دادگاه
کیفری مکلف به رسیدگی است. ← طرح دعوی خصوصی، ضمن دعوی کیفری

جزای ضرر، رأی کیفری جاری به حیران ضرر در میان که تکلیف دادگاه کیفری
است باید امتیاز و لزوم تحقیقات چیست، ارجع به ضرر در میان ← رأی
ضرر در میان، ضمن دعوی کیفری

نمایند مستوسط دعوی عمومی به ۳ جهت است ^{است}؛

جهت خاطر به مرتکب مانده؛

سبباً که آن به عنوان ^{است} صورت دعوی عمومی ملاحظه می شود زیرا

مانند به شخص است. (در صورتی تعقیب)

جهت خاطر به اوضاع و احوال تلفرتی؛

مانند ضرر در زمان ^{است} اجرای عمومی، اما ملاحظه کن. (برآمد)

جهت خاطر به رفتار ارتکابی؛ (بمعن تعقیب)

الف) عنوان مجرمانه، ضربه به دلیل فقدان دلیل یا عدم کفایت ادله، احراز
شود.

ب) عنوان مجرمانه یعنی تحقق جرم احراز شده باشد اما قابل استنباط به مقتضای
قنایه. ملاحظه می شود که جرم است اما قابل استنباط نبوده. لذا استقامت در زمان

ووقع قبل در میان دیگر آورده است .

این جهات سه گانه که تحت عنوان سه گانه موسیقی تقییب ، بیغ تقییب ،
جهانت مطرح می شوند ، آنچه دعوی عمومی ، از مناسبتی است ، اما حسدای به دعوی
نشری سپینان تکلیف دادگاه میفری خورد و به قوت خود باقی است .

قرار انحاله :

به موجب ماده ۲۱ مقرریه ایلیا باید برای صدور قرار انحاله ، تاریخ شود :

۱) اجابت سئالهای حقوقی لازم الاجرا جریب باشد .

بیفا اظهار نظر ، ارجح به تحقیق جرم ، شود به اجابت ام حقوقی است .

ما تبه اجابت علقه زوجیه که لازم اجرا جریب به قوت احقاق است و یا

اجابت مالکیت در اجرا تحقیق وقت مبارق از مبارق .

۱۲) با قرار انحاله ، تقییب تقییب صورت می گیرد و چون با جایگای می شود .
موتاً با اجابت موتاً

۱۳) ذیفع باید به دادگاه حقوقی جریب کند و در ای حال ، ابرام ای دادگاه میفری می آورد .

۱۴) طلبت جریب به دادگاه حقوقی یک ماه و سید آن از تاریخ ابلاغ قرار انحاله
است .

۱۵) چنانچه ذیفع گزای ، ابرام دادگاه بیفری ارائه دهد ، از آنجا که دادگاه بیفری می تواند

حسیدی را اطلاق کند ، چه که سنج به جرم اختساف از احقاق حق می گردد ،

باید حسیدی کرده و تعیین مقتضی ، انتفاذ کند که با عدم اجرا از جریبیت و ایجاد سبب

رای جریب است . ← در مرحله تقییب

۱۶) قرار انحاله ، با جریب صادر می کند و چنان این به دلیل تطارات عالی دادستان

در مدت ۳ روز باید به نظر دادستان جریب حسد .

توضیح فصل ۲ ماده ۲۱ :

ذاتی آن مستغنی مال منتول در اجابت حرم قاضیه دانسته باینکه ، جاز نعم دادگاه میفری استی کوانه
حاجب این استلال که اجابت مالیت دانستی امری حقوقی است ، مگر اناطه صادر کنه .
برای ، در خصوص مستغنی مال منتول ، دلالت میفری صریح به رسیدن مستغنی و حاکم این
از منتول مگر اناطه مستغنی است .

مهری ، آن ، آن در مستغنی از کمال سهولت ، لطیفی عنوان مال بر چیزی که وجود شده
علی سببه باینکه ، دادگاه میفری ، اصلاً باینکه رسیدگی کنه . آنکه امری حقوقی است .

خلقه هم ؛ در امری که در ظاهر منبسط از مال منتول است اما در واقع ، امور حقوقی
ای است که اجابت آن ها لازمه احراز جرمیت است ، مگر اناطه باینکه صادر شود .
مانند ، اعراض ، حیات بیاحتیاج ، رابطه امای جناب ، ...

خلقه هم ؛ از آنجا که بعد از مگر اناطه این امکان وجود دارد که از نظر اجابت امر حقوقی
در دادگاه حقوقی ، مدت زمان طولانی سپری شود ، به طوری که در ظاهر مستغنی مرور زمان
کنده باینکه ، جاتوجه به اینکه در اناطه جایبائی صورت میگیرد ، هیچگاه مدت ارجاع به
دادگاه حقوقی ، هم اندازه حجم طولانی شود ، هر دو مدت مرور زمان احتساب نتوانه

شده .
جای سوال ، آنکه تعلقاً تعقیب شود و سپس مدتی که از مدت های مرور زمان است مستغنی
شود ، بنا به گفته که حرم مستغنی مرور زمان تعقیب کنده است . زیرا از لفظ تعلقاً
تعقیب باینکه صورت گرفته که بنا به در احتساب مدت مرور زمان در نظر گرفته شود .

خلقه ؛ لاد تفسیر دادگاه تخصصی از دادگاه اختصاصی ؛
از جمع بین ماده ۲۲ و ماده ۲۳ ، اینگونه استفاده می شود که ، همان معیار تفسیر
دادگاه های تخصصی از دادگاه های اختصاصی در مورد ادعای آنها نیز صدق می کند .
دادگاه تخصصی ،

سبب ای از سبب دادگاه های عمومی است که به جرایم دیگر رسیدگی می نماید .
و چون تسلیلات قضایی مستقل ندارد ، از صلاحیت ذاتی برخوردار است .

عبادت کلیه باسواران انتظامی - غلبه است - ^{یا} رسیدگی کرده ، صالح تلقی شود به دلیل لزوم تبعیت دادها از دادگاه در امر صلاحیت ، دادسرای
در رعیت همان دادگاه صالح می باشد .

چنانچه این حکم است دادسرای محل وقوع جرم صالح می باشد و این در صورتی است که دادگاه محل
وقوع جرم جایی به وقتی صالح نبوده است . (اصول تبیین صلاحیت دادسرا از دادگاه)

دادگاه جرم صالح است : دادسرای در رعیت آن صالح است - در حکم است لزوماً دادسرای
محل وقوع جرم می باشد . (حیثیت دادگاه محل وقوع جرم صالح می باشد ، دادسرای محل وقوع جرم
صالح است)

دادسرای اختصاصی ؟

دادسرای ویژه روحانیت ، دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان ، دادسرای نظامی

ضابطان ؟

ضابطان اصحاب ضابط عام یا خاص در چهارم حرف نظر از مستود یا غیر مستود
بودن جرم ، حرای و ضایف و اختیارات می باشد ؟

۱۱ کسوف جرم و لزومات آن (جمع آوری ، حفظ ، شناسایی ، یا متن ، جبر جری از
ضار و مستحق شدن)

۱۲ تحقیقات مدسرای

۱۳ ابلاغ اوراق

۱۴ اختیارات تحقیقات قضایی (ماده ۲۸)

حکمت ؟

ضابط عام صرفاً کلیه اعضای نیروی انتظامی را شامل نمی شود بلکه آموزش دیده بران
خیز ملاک ضابط عام تلقی شدن است .

اما در فی افراد اصحاباً ضابط محسوب نمی شوند . ^{حقی} اصل جرم عدم ضابط بودن آن
ها است . ^{مگر} آنکه استناداً و ضایف یا اختیارات ^{به} آن ها تفویض شده باشد .

اصل ۲ عدم ضابطه بودن است.
اصل ۳ عدم دستور است.
اداره عدم ضابطه است.

در این صورت ۲ فرع مسئولیت از حدیث اقامات این افراد ایجاد می شود.
۱۱ مسئولیت انتظامی که با ضابطی خواهد بود که وظیفه را به آن فرد محول کرده
۱۲ مسئولیت قانونی که در حکام ضابطه بودن می باشد که وصف مجربانه اقام
نیم قانونی است. ضابطه ها در حد و ضمیمه ای که در استناد در مقام ضابطه آفرینی
را انجام می دهند.

در اصل به عدم ضابطه بودن است = زیرا به استناد ماده ۱۲ احزاب عنوان ضابطه جایز است
گیرد و اصول می از حد احزاب است.

لذا ضابطه بودن احزابی اکتسای است. به همین دلیل هر عضو خبری انتظامی
ضابطه تلقی نمی شود و برای احزاب ضابطه بودن ۲ مورد جایز جمع شود؛
۱۱ سوئی و سوید اعتقاد بر آن ضابطه
۱۲ داشتن کار و تجربه آموزی دیده می

خلت؛ اگر ضابطه ضابطه بودن در احزاب اقامات رعایت شود با ۲ معادله احزاب
است؛

۱۱ ممنوع بودن اقامات که ایجاد حقوقی انتظامی می کند.
۱۲ بی اعتبار محسوب شدن تعقیقات و اقامات.
دفعی دلایلی که غیر قانونی جمع آوری شده، از عداد ادله معتبره خارج می گردد.
دفعی ضابطه احزاب قانونی است.

خلت؛ اصل به عدم اعتبار خبری ضابطه است. ضابطه در حد و ضمیمه است که استناد
خبر را بی اعتبار محسوب می شود.
۱۱ با تمام این مسلم قضیه مطابق باشد.
۱۲ بر اساس ضوابط قانونی کلیه شده باشد.

حقه ان هم بد از این در حد و موجب می شود که تمام قضای ختوانه به خبری ضابطه
به عنوان دلیل معتبر استناد کند.

خلفه در صورتی قطرات و ریختن در ضابطان جاری در مورد قائل به تعلیق شده است
سواردی نه خاضره و خلاف عام ضابطان است.
ساقه اعلام بر خورداری از حقیقی که با تمام در هر حال تحت نظر دارد که یک صدای از
رضایف نام الله و نه اختصارات خادان الله است.

۲ سواردی نه در صورتی ساقه سقای است.
ساقه جازیه و تفسیر و ورود به ساقه و اما این که در این سواردهای قطعات ساقه
قضای است

خلفه قطعات ساقه قضای نه ما حسب سمد یا غیر سمد بودن جرم دارای حالت
است.

۱ جرم سمد باشد و تحقیقات به طور کلی ارجاع شود که در این صورت ، ورود ،
تفسیر و جازیه نیز سمد در حال تحقیقات کلی قرار گیرد.

۲ جرم غیر سمد باشد و تحقیقات به طور کلی ارجاع شده باشد که حتی در این صورت نیز
ورود به ساقه ، اما این تعلیل نیست ، تفسیر و جازیه جازیه موردی ساقه
قضای باشد و نه اصول تحقیقات کلی می شود.

• ضمانت اجرای ضابط حسب حسن

در مواردی که خریدی که از سوی ساقه قضای دستوری به ارجاع شده است ، ضابط تلقی
نیست کرد؟

۱ از حوزه قضای که صادره اختیارات آن ضابط است ، خارج شده باشد .

۲ از سواردی باشد که ارجاع جازیه به ضابط قضای صورت می گیرد ، اما به ضابط عام ارجاع
شده است .

۳ از سواردی است که خریدی که به او ارجاع شده از اقسام ضابطین عام و خاص خارج است .
ضمانت اجرای ارجاع به خرید از ۳ مورد فوق معلوم است انتظاری ندارد ۴ است .
(تصویر ساده ۳۲)

• دستورات بدون جهت ، ابتدا قابلیت اجرا دارد.

مجلس دستور مجسم و نقل ، نقلی .

• تعیینات دستور وقتی اجرای دستور کارای شده باشد (دارای جهت ، صریح باشد)

• تعیینات دستورهای مقام قضایی به سایرین ؛

۱۱ اگر دستور شفاهی صادر شود ، جایه ضابطه آن را در صورت مجلس درج کند

۱۲ حد اکثر تا ۲۴ ساعت به اعضای مقام قضایی بجز مستشار (اگر مقررم تا ۲۴ ساعت دارم)

• در دستور آگاهی نه ذاتاً در اختیارات ضابطین است و نه قایل ارجاع باشد ، نقلی دستورات ذاتاً قضایی باشد آنچه عاقلین میمانند این دستورات به صورت غیر عادی داده شود و صرفاً شفاهی باشد ، صورت مجلس تهیه کند ، ضمانت اجرای احتساب دستور به تمام قضایی است .

نکته ؛ اگر دستور وقتی با جهت ، درج در صورت مجلس لازم نیست .

نکته ؛ دستورات اعم از نقلی یا شفاهی ، جایه صریح در اجرای جهت باشد .

• در دو حالت ؛

۱۱ عدم صدور آرای

۱۲ عدم صدور جرایم

در هر یک از این مابعد دلیل اصل لزوم انجام تحقیقات در هر حال جایه ضابطین

تحقیقات انجام دهند اما چهار اقدام از معمول این تحقیقات خارج است ؛

۱۱ کفایت

۱۲ بازرسی

۱۳ اخطار

۱۴ جلب

(ماده ۴۲ + ماده ۶۵)

• سوابق آنکه تحقیقات بر اساس اصل لزوم انجام می شود و کفایت ، بازرسی ، اخطار

جلب نیز با اجازت سردری امکان پذیر است بجز از ؛

۱۱ فاخر وقوع جرم یا تمهید آن متعین آن ، اعلام کرده باشد ،

۱۱) امر و ماحول و وقوع جرم فبوره اما در ایلی خود را بر صحت ادعا اعلام کنه.

۱۲) از جرم این علیه است داخلی و خارجی باشد.

* نه در این صورت مطلوبیت سنج در داده ای نام وجود به سوزد کرده است در جرم سوس
است و وجود ندارد.

• ضرایب در جرم ضابطان :

۱) هر مورد اطفال و نوجوانان ، چلیس و غیره اطفال و نوجوانان و ضایف و اختیار
ضابطان را انجامی دهه .

۲) در سواری که تمام زن یا بالغ است ، از ضابطه آسوزنی دیده زن و رعایت
سوزنی شری جای استخاره شود .
(در صورت امکان سارا به امتیاز فینه از در ای تواند باشد طبق در داده گفته جای)

خله :

هر جرم این سمود ، تمام اقات اجبه توسط ضابطان انجامی شود و سپس به
اطلاع دادستان می رهنه . (اصل تقدم اقدام بر اعلام)
اما در جرم این غیر سمود ، اجبه ابالی به دادستان اعلام شود و سپس بر اساس دستور
دادستان اقات ضابطین صورت می گیرد . (اصل تقدم اعلام بر اقدام)

• ضابطین جرم سمود :

۱) مری دستگیر + حضور در محل + مشاهده آثار

۲) معرفی کردن به عنوان مرتکب ← جرم دیده یا
آثار ماحول

۳) اسباب رد ایلی جرم ← تصرف یا
تعلق به ستم

۴) قصد فرار + در حال فرار + دستگیر شدن

۵) مکان + درخواست ورود

۱۶ تنعم ← عرفی و
حیر دادن

۱۷ تنعم ← دگر د و
سود...

اولاً؛ سوادیه جرم از سوی ضابطه انحراف و غیره مشتمل بر خود جرم می باشد، و در
تعمیر آن، جرم را مشاهده کرده آیه کافی است.

دوماً؛ یک تم خاطر اعم از اعلام جرم است یا سبب، اعمی کند، فقط موجب لزوم انجام
تحقیقات می شود ولی همین تحقیقات در قالب جرم غیر مستعد است.
(یعنی اختیارات محدود است)

در حالی که تم خاطر سبب، اعمی کند، علاوه بر لزوم تحقیقات، جرم در
قالب جرم مستعد قرار می گیرد. (ماده ۷۴ و ۷۵)

سوماً؛ این تنعم باید اسباب جرم باشد هم نیست و صرف در تصرف یا احتی کافی
است وقتی اگر در تصرف او باشد، اگر تعلق آن یعنی این تنعم است که آن
در سطح جرم یا تصرف آن بوده، احراز شود کافی است. (باید بلا مانع
مصرف بوده یا تعلق آن ثابت شود بلا مانع)

چهارماً؛ اگر کسی مدت طولانی فراری باشد، اگر چه در همین حالت فراری بران دستگیر
شود، جرم مستعد نخواهد بود. زیرا افروختن عرفی دستگیری برای مستعد
شدن لازم است.

و پنجماً؛ مسکن بودن، لازمی است که بدانند و بنا بر این صرف آنکه بر آن محل
بدان عنوان محل سکونت اطلاق کرد، کافی است. سفاکاً این امامت
درود مسکنان لازم نیست بلکه صرف در خواست ورود از طرف مسکنان کافی
است. (مسکنی تواند خاطر باشد) پس ناظر بر آن مسکن لازم نیست.

امتناناً؛ تمام مسخروندان دارای اعتبار در جرایم ذیلی باطنه؛

۱۱ جلبگیری از ضرار

۱۲ مقتله صحنه جرم

تلف اجرایم دارای مجازات سلب حیات، عدم نظر از این سبب حیات ذری،
قصای یا تعزیری داشته.

۱- اجرایم موجب حبس است
۲- اجرایم موجب قطع عضو یا قطع عضو غیر قصاصی است
هری باطنه و یا در جنایات مستوجب دین $\frac{1}{3}$ دین حاصل یا حبس از آن باطنه
(در صورت ذری)

ت (تعزیرات در ج ۴، ۳، ۲، ۱)

نکته مهم؛ غنیمت به ماده ۴۶ به طرز اقسائی در یک مورد اجرایم مسترد است اما
اقبه ابا به اطلاع دادستان انجام شود و سپس اقدام تحت نظر قرار دادن به عمل آید.
که بی ترانه بی از ۲۴ ساعت باطنه.

اصل؛ جرم مسترد = اول اقدام بعد اطلاع
امتنان؛ تحت نظر = اول اطلاع بعد اقدام
رجوع به اصل؛ خارج از وقت تحت نظر = اول اقدام بعد اطلاع

نکته مهم؛ در خصوص تحت نظر قرار دادن جایزه حاصل به تخلیه شده؛

۱۱ در شرایط عادی اقبه اطلاع به دادستان داده می شود و سپس فرد تحت نظر
قرار می گیرد. یعنی اقسائی در اصل حاکم بر جرایم مسترد است.

۱۲ در خارج از وقت جاری است که برای عبور ما شده جرایم مسترد عمل می شود
یعنی اقبه اقدام تحت نظر قرار دادن انجام می شود و سپس هر افسر ظرف یک ماهت
به دادستان یا کافی کسب اعلام می شود.

• محدودیت های تعداد نظر کردن :

۱۱ محدودیت نهای دیوایلاقات و میل با نهم دس از یک ساعت مجامه .

۱۲ محدودیت رایج به حقوق تحقیقات . یعنی و میل اجرت نه جزلان ارادایه که نه خصم و اداری گفتنی است و غائی از اصل نهم حضور وکیل در صورت تحقیقات است .

خاتمه : در خصوص آگاه کردن از تمت نظر قرار گرفتن ؟

اولاً : محکم باید به وسیله تلفن یا هم وسیله صحن آشنایان ، آگاه خانه رساند و وظیفه آگاه کردن نه از نه در صفا وظیفه مساعدت کردن دارد .

ثانیاً : اگر ضرورت را شمس دهنه ، می تواند حق تمام صفا آگاه کردن آشنایان را نیز از وی سلب گشته که در این صورت این قصیم جای به اطلاع مقام قضای برسد .

خاتمه : یکی از موارد دادرسی اتمامی در خواست فرد تمت نظر به تمت عافیه قرار گرفتن است که بدون استناد برای تمام در نظر گرفته شده است .

خاتمه بسیار مهم ، عدم لاقات و میل تا یک هفته از لحظه شروع تمت نظر قرار گرفتن در موارد ذیل است :

۱۱ جرایم سازمان یافته

نوع جرم مهم نیست ، که اگر جرمی هر چه که جرمی اگر به سلسل سازمان یافته واقع شود ، مستعد این محدودیت خواهد بود .

۱۲ جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی

۱۳ مدت تمت

خواه ساده ، خواه مستعززه و لازم نیست سازمان یافته هم باشد .

مقدمه

۴) تمامی جراحی که در آن مایع وضع جرم ، سواد خرد در درون گلوان است .
از قبیل استئمال ، شردش ، عاقله ، قولیه ، تدزیج ، اخفا رسانه آل

فنا خیرایم الف ب ج د ه ی ز

۲) اید امت نظر بردن :

۱۱) تفهیم لغویاً در صورت به این مورد به صورت مکتوب + در حالت رسیه + خیمه در

چونکه

۱۲) اینه امضاء یا در صورت کار خیران اینه ام اخلست + عدت نمت نظر + اسم است لیر
در باز جری + کاخیج و ساعت سعی فی قدر کافی که ای همان کاخیج پایان نمت نظر است

که اولاً در صورت تمسک

ثانیاً در دست خاص صاحبان باید ثبت شود.

خله ؟ علت تحت نظر بردن در هر حال باید قید شود و بناً فاذا بما صمانه چون تحقیقات

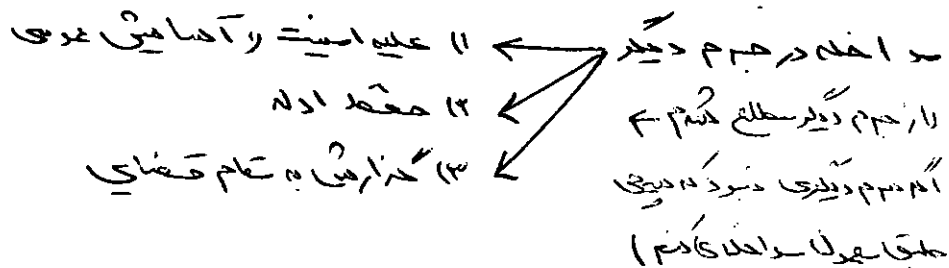
خزارد.

کتابت ضابطین :

۱۱) اصل عدم برداخت ضابطه = صغ برداخته + مدخله دادستان یا باز هم

استناد ؟ ارجاع توسط دادستان یا باز هم

ساخته ؟



۱۲ ورود → متن
امتن چیست یا تقطیل

(۵۸۲) ارائه ادراک شهودی + ارائه اصل دستوره متصرف

۱۳ ارائه ادراک بارجویی → شماره گذاری سواد
تعیین اصل ادراک (۵۹۳)

(جهت اجزا)
عدم غایت = صادر + عدم دقت = ۲ ماه کاید مثال انفصال

(۴) عدم اجزا، یا اکراه + عدم یقین + عدم اختلال + عدم سؤالات دارای خروج سوغوی (۶۰ م)

حکمت و تقصیر هر یک از اینها از اجام وظایف فاعلان در جزه دیده صریح است. (۶۲ م)

(۵) صوغیت تقصیر هر یک از اینها از وظایف فاعلان در جزه دیده
(آنگاه از وجود مدارسان های مردم در مدارک نیست طبق آنچه از عدل مدارسان حاصل است)
جزه ۲ م (۶۴)

«مدارسان هم غیر قابل گرفت است»

حیات هم دروغ به تعقیب م (۶۴) (تقصیر هم حیت عمومی دارد)

اقسام اعلام م (۶۵) م
۱) اعلام گفته + خاطر + هم غیر قابل گرفت
«اصل در صحت ادعا است» → هم دروغ به تعقیب
(جنبه م ۶۴)

۱۲ اعلام گفته - خاطر

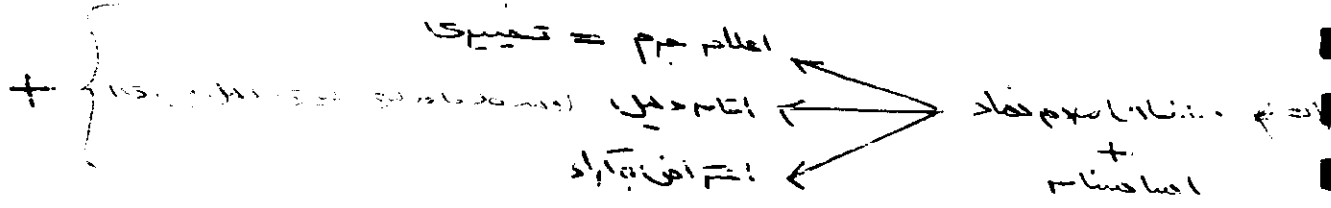
«اصل در عدم صحت ادعا است»

احتیاد؟ ارائه دلیل
دلیل ادعا است چون مدارک
حق آورده است

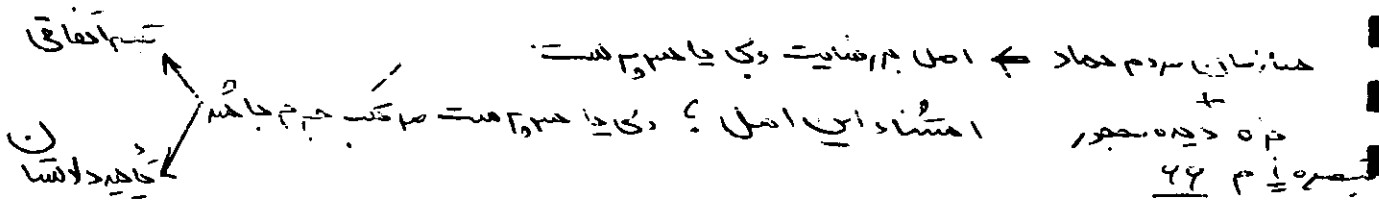
هم دروغ به تعقیب

هم علیه است

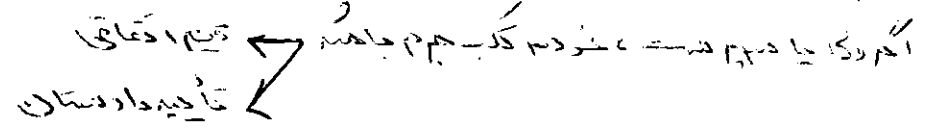
رضایت چه چیزه



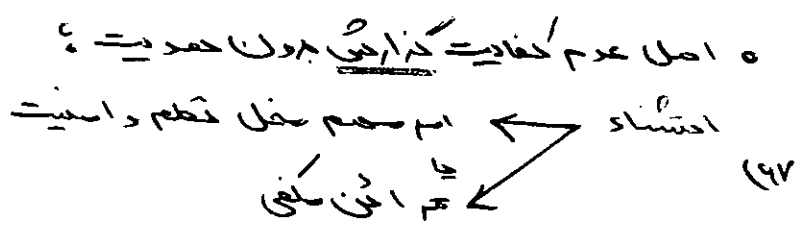
۱۱۱ اختیارات همکاران مردم همکار در این مورد باید فقط با رضایت فرد دیده باشد



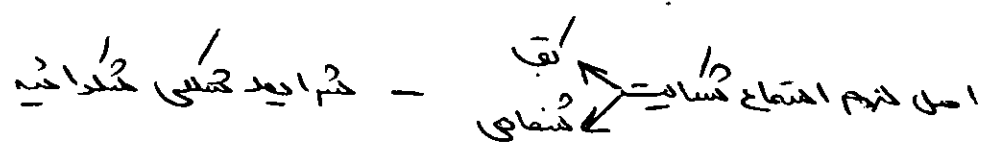
• نام همکاران یا نزدیکان دیده شود است ، یا به رضایت او را داریم در آن مورد ،
 اگر نام دیده شود یا حضور داشته ، رضایت وی یا همسر است وی را باید دید ،



تأخیر دادستان برای تیم اقسائی را در این مورد تیم اقسائی باید به علت در صلاحیت (اری غایب)
 (وی تفسیر و حسب با خود دادستان است)



• اصل لزوم استماع شهادت هم ابقی و هم شفاهی در همه است کساخته شده
 حتی اگر هم احد تنظیم شود نیز رعایت نشود. (تفسیر ۱۲۸ م)



کلیف دادستان در صورتی که...

(۷۰ م)

• کلیف دادستان : جرم با صیغه مضمری +

جرم در وجه محجور ← تعیین جرم بودن
یا
جرم در وجه خاتران از ضمانت ← اما اتمام به تقصیر
آر. م. دادستان

تعیین جرم بودن یا اتمام اتمام به تقصیر

(در صورتی که...)

(از عدم وقوع ضمانت =
در صورتی که علی رغم
صحت =

• کلیف دادستان
به تقصیر

(۷۱ م)

(۵) جرم در وجه خاتران از ضمانت = جلیب سواقعت

الف) سواقعت تقصیر
ب) سواقعت اجرا

(۷۲ م) جرم علیه عبادت

• تقاضای رخصت + حوزه کاری + جرم غیر قابل گذشت = کلیف به اطلاع به دادستان

(۷۵ م)

• ملاک حق تقاضای دادستان ← محل انجام تحقیق است

در صورتی که جرم در محل واقع شده
(محل نیابت و محل اقامت)
حل و تصرف جرم

کارهای محدود به نیابت داده شده است (مواظقت دارد)

(از این جا به بعد جالی ۹٪ حداقل میاد)

(۷۹ م)

• تمام تقصیرات
شماره تقصیرات
درخواست حسابی
+ جرم قابل گذشت
+ قبل از صدور حکم درخواست

توسعه دادستان

تقصیر حدود = مستند به بار + تاکید بر سن از تاریخ صدور حکم

« تاریخ اطلاع »

« چون خود نمای درخواست در (۵) خود دولت ما اطلاع هر چه »

(۱۰۴)

درجہ ۷ یا ۸
 +
 ۲ شکای ندارد یا دارد گنہ گشت آردہ
 +
 ۲ مقام سابقہ معکوسیت سزوم ندارد

موسیقی ...
 ...

نقوۃ اعتمادیہ ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ ہے در ادگاہ مغربی مصالح

خود داری از تعقیب
 ← از طرف مقام قضایی ← قرار جایگاهی پر دزدہ
 ← از طرف مقامی ← قرار قرار تعقیب

(اصلاح تعلیق مجازات خارند)

تقریب درجہ ۶ یا ۷ یا ۸

قرار تعلیق تعقیب
 ↓
 اصلاح تعلیق مجازات

شکای ندارد، یا گنہ گشت آردہ یا تم تبیا حیم اداره گنہ گشت
 سزوم سابقہ معکوسیت سزوم ندارد
 سزاقت سزوم

ت
 ن
 (روم سزوم گنہ گشت گنہ گشت)
 گنہ گشت
 حسارت رام سزوم و باقیات
 تم ایضا با سزوم و سزوم در خلا
 تعلیق تعقیب (در سزوم)

(دادستان در صورت سزوم می تواند از سزوم قائلین اسباب اخذ کند)

آن جرمی (۷، ۶، ۷، ۸) که مجازات آن ها قابل تعلیق است، تعقیب آه هائیم

قابل تعلیق است

«اگر کسی سزوم تعلیق مجازات است، سزوم تعلیق تعقیب هم سزوم است»

خلفه؟ تمام مجازات هلی ۷، ۶، ۷، ۸ قابل تعلیق است. (در صورت ثابت سزوم اعلی)

خلفه؟ خلفه در اینجا است که این آدم با به خردش هم از حکم ارضاع و احوال سزوم و

خازادگی سزوم تعلیق تعقیب هم سزوم است.

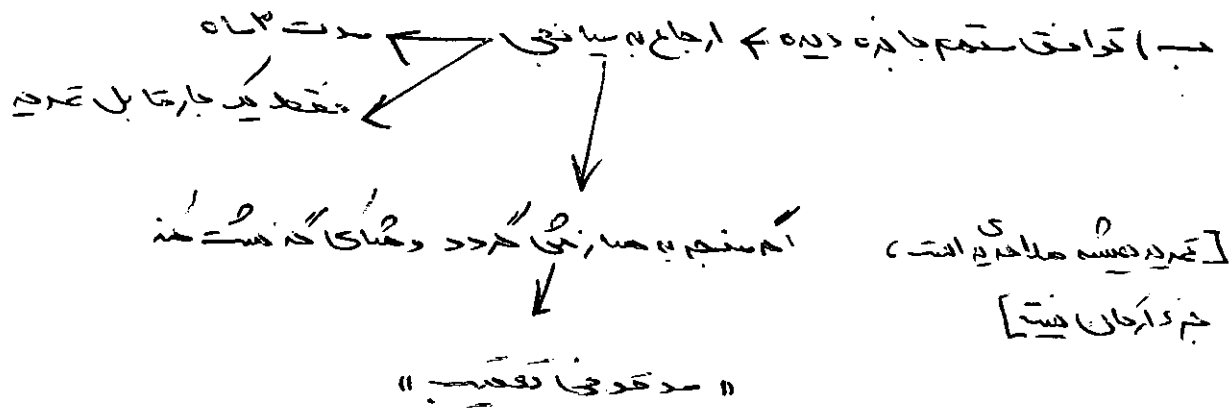
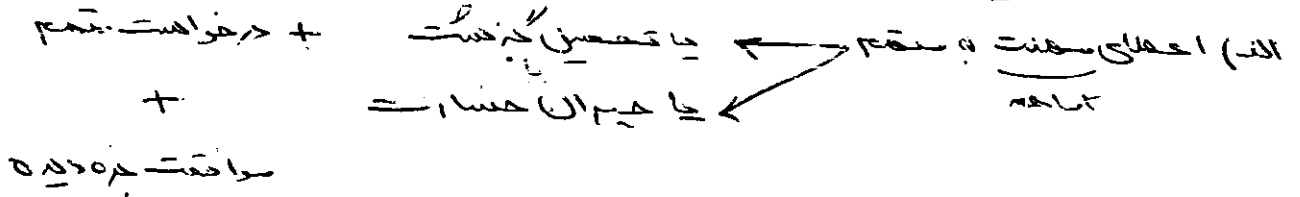
(سزوم سزوم اعلی که سزوم از عدد ۷، ۶، ۷، ۸ است در حالی که تا اول سزوم آرد)

خلفه؟ تا اول سزوم، دادستان این حکم تعلیق اعلی گنہ گشت، که دادستان می تواند این اختیار را

خازادگی می یابد و آن سزوم گنہ گشت.

ما املایینا سوختی یک مشوره نه الی
چشم نموری چشم نه نوبت خورد باقی است در میان مملکتی.

اعطای حسنه به وی ۲ ماهه خواهد بود در این صورت جای درخواست تمام در
زمانت تمام به موافقت فرموده شد.
۱۲ چشم نه ۲ ماهه خواهد بود. قیامت تمام است که در میان مملکتی به ارجاع شد.
که در این صورت حداکثر ۳ ماه میانقی میماند اما در حساب از حق دارد و این است
نقطه یک بار میانقی همان میزان بقای ۳ ماه قابل تکرار است.



خنده؟ یا نچیلری تمامه جا تعلق تعقیب چشم اعلان دارد و فرموده ۲ چشم مد است؟

(یا نچیلری + تعلق تعقیب)

۱) کنست حسنه در چشم قابل کنست یا حیران حساب = یا توافق چشم حساب =

۲) فقدان سابقه در چشم.

چشم این در چشم مد آه به تعقیب یا خواهد ۲ ماه ۲ سال تعلق شود، اما آه تکمه

انجام نشد؟

فناخت اجزای عدم انجام تکمه = لغو تمام تعقیب تعقیب + درخواست حسنه

سوار الزامی و دانست در این اصل = دستور داد است و ارسال به دادگاه

(۸۵۳)

اصول خاکبهم تحقیقات

۱۱ اصل لزوم اطلاع دانشمند

چگونه می توان تحقیقات را به اطلاع دانشمندان امری که باید در این از جانب رجالیست
تکفلات عالی باشد.

دانشمند: جازم پس خاطر وقوع جرم باشد = ^① شرع به تحقیقات + اطلاع به دانشمندان
(هم قیاس و وجود دارد)
اگر ام به اطلاع
(حرفه ای جایی اطلاع باشد لی دانشمند جازم ←

۱۲ اصل لزوم قائم به شخص بودن تحقیقات

اصل بر این است که جرم پس مستقماً تحقیقات انجام دهد دانشمندان در مورد شخص
جازم پس موضوعیت ندارد تحقیقات را دانشمندان نیز می تواند انجام دهد ؟

الف) از جرم ماده ۳۰۲ باشد

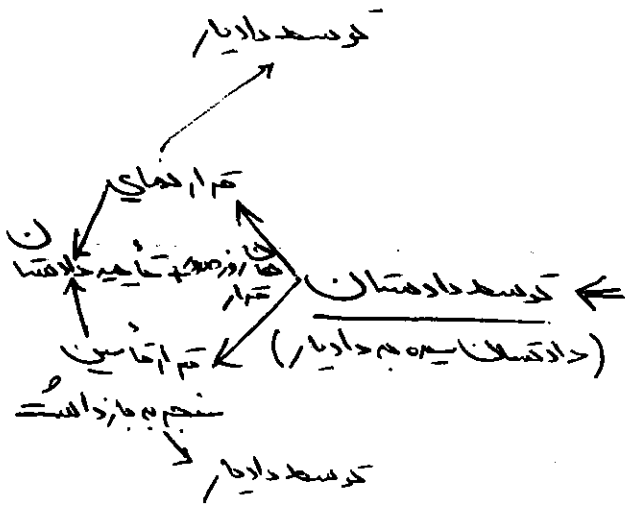
ب) در صورت غیاب جازم پس

دائماً هم در دست جازم پس معهود

بازم پس

اصل لزوم قائم به شخص بودن تحقیقات

دانشمند ① ← غیر از جرم ماده ۳۰۲
غیاب جازم پس

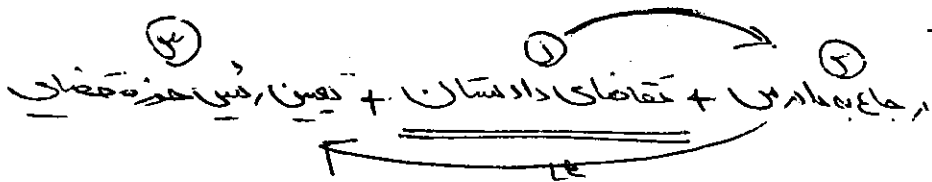


دانشمند ②

ماده ۳۰۲ ← دانشمندان (تقاضای قضایه، رسیدن حوزه قضایی
گفین خند)

عدول از اصل (قائم به شخص بودن) ← غیر از ۳۰۲ ← دانشمندان (تقاضای دادگاه، دادگاه، ۲ مقام صادر کرد
دادستان در همان در تأیید می کند)

کلیه م ۹۲



۱۳ اصل چهارم بران تحقیقات م ۹۱

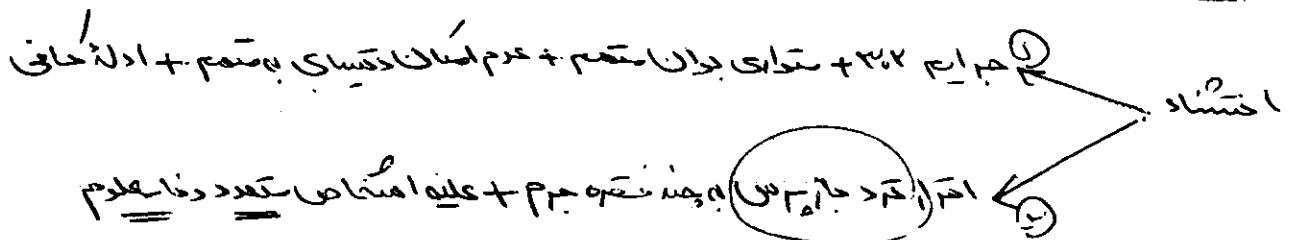
۱۴ اصل پنجم بران تحقیقات م ۹۲

یعنی تا از من تمام ادله را در تحقیقات خود به نفع یا ضرر به نعم در داری کنه

۱۵ اصل ششم بران تحقیقات م ۹۳

۱۶ اصل هشتم بران تحقیقات م ۹۴ « عدم مانع شدن ایام تعطیل »

۱۷ اصل نهم بران اختیار تصرف در مستغبات هر وقت مستم م ۹۵

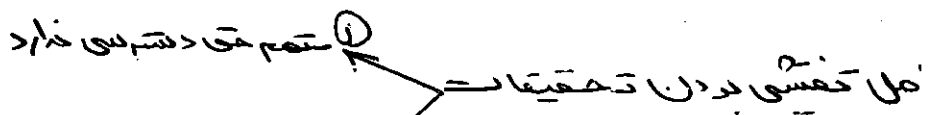


م ۱۰۳ در خواست می کند، دادستان مستغبات را بران مستغبات می کند، عکس است
سنتی شود

(م ۱۰۳ مستغبات)
کشف جرم دیگر در این تحقیقات =

۱) جرم غیر قابل کشف = تقارن زمانی : تحقیقات + اطلاع به دادستان

۲) جرم قابل کشف = اطلاع به دادستان + اطلاع به مردم = م ۹۹
« اینها ماری به هر زمانی است »



در صورت نیاز = دانستن = م ۱۰۱ در خواست
اجتماعت به م ۱۰۱ = م ۱۰۳ + دادگاه صالح

۱۰۰ م
دستبردار

• اصل در این است که تحقیقات نفسی است و نه همین دلیل، تا فرجه از عبارات مطالبه
 یاد دست نمی به تحقیقی، با حسنه حقیقت منافات ندارد، اختصار کرده به جای آنکه
 کند به تحقیقات دست نه، تا به آنکه منافات حقیقت باشد.
 زیرا که اینگونه حیل از جمله نیست، کما فی المثالی، برای تحقیقات خود، اما
 چون مورد است از کتاب اربعه ای، برای خود دارد، در میان تحقیقات نیست
 کما فی حقیقتی است. ۳

حکله هم؟ اصل در این است که اختصار مطالب خلاف معانی یا خلاف مخرج،
 چون نیست دال بر عدم است، اختصار است، کما آنکه اختصاراً منافی در مقام
 اعتقاد حق در مع صالح مطالب، اختصار کند. که در این صورت طبق رای وحدت
 رویه در بیان عالی کسور به دلیل فقدان استواریت خاص از جانب عدم اعتبار قابل تحقیق
 نیست. حتی اگر تمام خبر نه خبر باشد.

نقد در مورد خبریم؟ حکایت از چه دیده، حیا از خبری از دست می به اطلاعات
 راجع به است و از آنجا که اصل در امکان دست می می باشد، اختصاراً اگر
 افعال مظهر می قابلیت حکایت چه دیده و مورد است باشد،
 باز هم یاد آید که و طبق دارد که خبری برای خبری از امکان دست می
 به اطلاعات چه دیده اتخاذ نماید. ۱۵

اصل : امکان دست می به اطلاعات چه دیده

اختصار خبر مظهر می قابلیت حکایت
 = تکلیف باز می + به این مخرج از دست می
 دادگاه به اطلاعات

۱۰۱۳

نقد: اصل در منع تحقیق در این منافی نیست است. اما اختصار

دارد در این اصل است

و مورد منافی که در این صورت تحقیق دارد، تا در حدود حساسیت منافی
 باشد.

۱۰۳ م

حلقه؟ تلاوت در مقام قضای
→ توکیل به قوی استغای
→ خیر است + توکیل به قوی استغای

۱۰۴ م

حلقه؟ اول دفع توقف تعقیبی
→ ۱-۲ = منع سعوی
→ ۳-۴ = عین غرض + کتب + جیب + جیب
۲ سال از وقوع جرم مگر قمار توقف تعقیبی + جرم آورده
+ موافقت دادستان = از آن خدات خارج

۱۰۶ م

حلقه؟ م عی عسویت یا انتقال باز می (به صورت تعقیبی) + استغای بازدا
= اعلام قوی به دادستان
نجات اجرا = مکویت استغای تا جرم (بوی خود در جرم نیست)

حلقه؟ تمام عاقلین خواسته = در فراموشی
+ «تکلیف اجرای احکام مدنی»
→ عین عین فاعله
→ عدم امکان توقیف عین عین لا
→ توقیف عادل
→ مبلغ از اسوالد
→ اجرای

احل = ابلاغ + اجرا

استناد = اجرا + ابلاغ + عدم امکان ابلاغ قوی + امکان تفصیح خواسته

۱۱۰ م

تمام عاقلین خواسته
→ رفع ابهام و اجمال مستقدا = جازم
→ رفع اشکال در اجرا ← دادستان
→ تاقی اجرای احکام

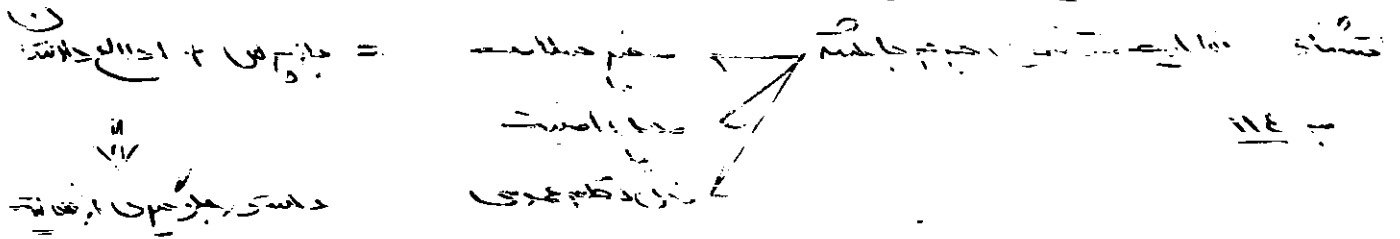
۱۱۱ م

حلقه؟ اعتبار این شخص همانند توقیف اصول = دادگاه محکمی + مقررا اجرای احکام
مدنی

رفع اقامت تمام عاقلین خواسته؟ م ۱۱۲ م ۱۱۳

- ۱) منع تعقیب
- ۲) موقوفی تعقیب
- ۳) سقوط عین جرم آورده
- ۴) جرم تعقیب دادخواست = ضم در زمان تا قبل از ختم دادرسی

اصل شمولیت مجروری از حالت امر حدی یا قوی؟



عبارت اعتراف = گذر از قاعده فروع

نکته: صدور کسبی لوقای مجروری = هرگونه تقییم = امضا جایز من + امضا منحص بود تحقیق

نجات اجرا = عدم اعتبار تقییرات

۱۱۵ م

جهت شروع به تحقیق توسط جایز من؟

- ۱) وقوع جرم در حوزه قضای محل اُسوره =
- ۲) کسب یا دستگیری در حوزه قضای محل اُسوره =
- ۳) اقامت تمام یا قطرن در حوزه قضای محل اُسورین

نکته وقوع جرم در حوزه قضای دلیک + کسب یا دستگیری در حوزه قضای جایز من

= قمار عدم صلاحیت (علوم شدن محل وقوع جرم + وقوع جرم همراه با مقام + صرف ۴۸ ساعت = ارجاع به دادسرای محل وقوع جرم

استناد - عدم منحص شدن محل وقوع جرم تا ختم تحقیقا = جایز من اظهار عقیده کند - (سواد ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸)

نکته؟ اقدام تحقیقی خارج از حوزه قضای جایز من = قمار خیانت قضای

اصل در این است که اقدام تحقیقی قابل نیابت دالان حسنه و جدای شان کلمات استمدر ای توان خیانتاً استماع شود و ام کلمات سمود به سزات صلاح تحقیقا که در خیانت قضای انجام شده حسنه صدور رأی جائز و ها تحقیقا فاشی خیانت یا که تا

بم اساس آفاقاً صادر شود ، اما چنانچه منحصراً متناهی است رأی داردگاه
شماره ۱۱ مورد بحثه ، دیگر بی ترانه به استناد شهودی ، حیاتیاً استماع شده
استناد کند ، بلکه در عین حال صادر کننده آن ، مستملاً در صدارت به استماع استناد
شود و نباید . بلکه در موارد ذیل آنکه استناد در رأی باشد حیاتی استماع
شده ، مجدداً متناهی صادر کننده رأی جاری این اوله ، استماع حیاتی ؟

تفسیر ۲۲ ۱۱۶

۱۱ اقرار

۱۲ میباید

۱۳ استناد بم شماره =

۱۲۰۴

حکله ؟ اصلاً اقرار حائز اعتبار است در هر حال حیاتی و قضایی وجود دارد حکم برای
جاری پس حیاتی دهنده حکم برای جاری پس حیاتی دهنده .

حکله ؟ حیاتی نیز در محل نیابت تمام حائز اعتبار است صادر شود ، حکم از قطع
حائز اعتبار دادستان و حکم از قطع صلاحیت همی ، آن اعتباری صادره دادستان
و دادگاه محل اجرای نیابت صالح هستند .
تمام حائز اعتبار همی به بازداشت ؟

۱۱ از قطع حائز اعتبار = دادستان محل اجرای نیابت

۱۲ از قطع اعتباری = دادگاه محل اجرای نیابت

حکله ؟ ضرورت با اهمیت جاری پس در انجام تحقیق حیاتی وجود داشته باشد ، حتی
اگر اصلاً نیابت اصلاً نیز باشد ، جاری پس بی ترانه مستملاً از حوزه ضرورت
خود خارج شده و خود مستملاً تحقیق را انجام دهد . لذا ضرورت با اهمیت جاری پس
در تحقیق = قطع موافق دادستان + ماهیتی و قطرات دادستان محل

انجام تحقیق (۱۲۲۳)

۱۲۳ ۳

حکله ؟ تحقیق با طایفه محلی در ۳ حالت تکلیفی است . ؟

۱) ضرورت با اهمیت جاری پس ، امناً انجام می دهد تا توسط ضابطه

۱۲ درخواست مناسبتی

۱۲ درخواست مناسبتی

۱۲۶

کتابخانه که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۱) در این باب است آن ما است

۲) در این باب است

آنها را در این باب است

۱۲۷

کتابخانه که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۱) در این باب است آن ما است

۲) در این باب است

۱) احکاماتی که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۲) در این باب است

۱) در این باب است آن ما است

کتابخانه که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۱) در این باب است آن ما است

آنها را در این باب است

۱) در این باب است آن ما است

(سواد ۱۳۴ و ۱۳۵)

کتابخانه که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۱) در این باب است آن ما است

کتابخانه که در این باب است در این کتاب در ۲ مورد است

۱) در این باب است آن ما است

۲) در این باب است

۱۲۸

• تفسیر و جازای = دستور جازای + ظن آوری + درج کردن حیوانات ظن

حقیقت ظن، قضا، هست به ۲ حیله صفا و ظاهر

۱۱ مقصد و نتایج

۱۲ کشف اسباب و آلات و ذرات جرم

خلق؟ - ضرورت تفسیر و جازای عبارتی از؟

۱۱ منازل

۱۲ اماکن هسته و تعطیل

۱۳ اسباب

خلق؟ جازای و تفسیر منزل حاصله، استان دستور جازای من کافی نیست

و تأیید، شری کل دادگستری استان + حضور تمام قضای لازم است.

۱۱ اعتبار مقامات تصریح شده در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸

۱۳۷، ۱۳۸

۱۲ اعتبار جرایم هیات هی و مطبوعاتی

خلق؟ - مورد مقامات و جازای در جرایم هی و مطبوعاتی، تفسیر و جازای

اسباب لازم باشد، با دستور جازای من در صورت ظن قوی صورت میگیرد

روال استثنای لازم نیست.

خلق؟ - نزاع تفسیر با حقوق استعاضی = جواز تفسیر هم در ماده اعم بر آن

خلق؟ - هم باید دستور درود = سوری + تفسیر زمان، دفات درود،

اموال، اماکن و شانی آن ها

خلق؟ - کلیف ضابطه درود = درج کیفیت و نتیجه تفسیر در صورت تفسیر + اضای

ام اخلاقی تصرف + اعلام به تمام قضای که آن هم صرف ۲۴ ساعت

حکایت: تفتیش منزل یا محل خلایق = حضور تصرف یا ارضیه حاضران + حضور
کسب و ته قیقاد صورت و غیره - + عمق قلم + سارین گماری و عاقبتی
+ مالکات حرمت مستحقان، دریا ناز و سواران.

* در خصوص انسان، ورود به صورت حضور از کسب عام: ان صجوز قانونی دارد.

مترک یا ارض خلایق

حکایت: عدم حضور استغای در منزل یا ارضی = قریبت + حضور ۲ نفر از اهل محل
+ خروج در صورت مجلس
۱۴۲۳ م

حکایت: اعلام عدم حضور استغای در ارضی است که در ۲ استناد؟
۱۱ اجازه تصرف

۱۴۲۳ م

۱۲ صورت تحقیق به دستور جاری می

حکایت مهم: صورت ورود و خروج به محل جاری می؟
خبری تقاضی + زیم حکم عام قضای = حکم ضابط

* بیفایده تفتیش صورت گیرد، از قبول جرایم خاص تقاضای خارج است.
اگر چه در کتب آن تفتیش تقاضای بی جا نیست.
۱۴۴۳ م

حکایت: دستور جاری سازی منازل، انسان یا امید + ورود حسابات مالی =
الف) تمام قطعی منع یا رد قوی تقصیر یا حکم بدلت صادر شود = میزان
حسابات دولتی
ب) تمام جرمیت یا حکم حرمت صادر شود + امتناع کسبه معجم بنامه
= میزان حسابات دولتی

حکایت: میزان حسابات دولتی، احکام و مستی صورت می گیرد، کسی به جای
خاستگی به تقصیر کرده، دولت رجوع خواهد کرد.
۱۴۵۳ م

خلفه از ارفاق، فوخته ما را اشیاء متعلق به تنعم = تعدد اشیاء، اجمع به جرم است
تسبیح می نبرد: یعنی این صورت = جرم اشیای احسان ۱۴۶۳

خلفه: عزیب، آب و ادوات = جرم
۱۱ م تعدد اشیاء جرم
۱۲ م تعدد اشیاء جرم

۱۴۷ م

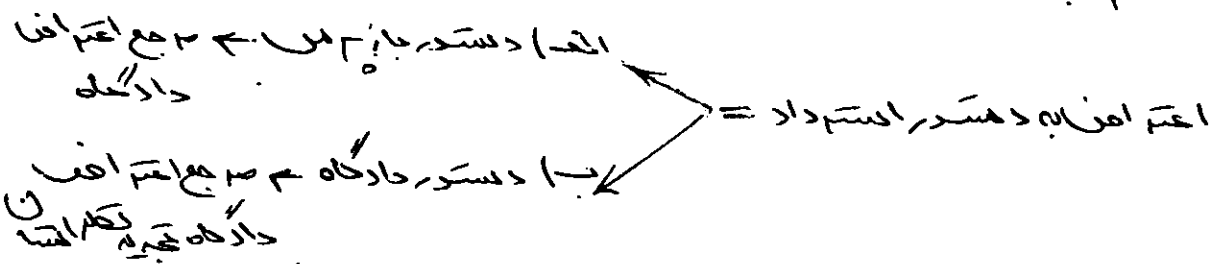
خلفه: اشیاء و اسوال کشف شده

- ۱۱ دلیل جرم
- ۱۲ دلیل جرم
- ۱۳ تحصیل شده از جرم (اعراض)
- ۱۴ استعمال شده
- ۱۵ به استعمال اختصاص یافته

در همه این موارد؟

الف) استعمال داد یا عدم کردن = باز می
ب) ضبط = دادگاه

خلفه؟ دستور استعمال توسط باز می = تقاضا دفع + عدم لزوم جرمی
باز می می (داد می) + بلاعارض بودن + اسناد ضبط یا
عدم نباشد.



خلفه؟ در این اعتبار در هر حال، عیبی نخواهد شد. یعنی اگر حکم دادگاه،
در خصوص خود جرم (استعمال) قابل اعتراض نباشد.

خاتمه؟ در سوال ۳ حالت تصور است ؟

۱۱ حکم در تناسب شکری

۱۲ خدای با خایب و آسایش حاجت و قیمت

۱۳ ناصیه حسنه

در این سوال ۳ عنوانی بر آن داده می شود: $نظام دینی + نصاب دستوری + خدای$
= خردش به قیود روز

خاتمه؟ تقاضای خردش از سوی جازم پس است = به موافقت دادستان (ح)

حکم در دادگاه

خلع؟ اولویت خرد = مدعی الحیه + پرداخت قیمت روز م ۱۴۹

خاتمه؟ اصل مدعیه کنترل اربابهاست مفاد اتی

استناد؟ الف ا امنیت داخلی دفاعی

ب ا کسب جرم که جنبه های ماده ۳۰۲ به غیر از جرم

شیاسی در مطروقاتی

خاتمه؟ اعمال این استناد = موافقت رهبری کل دادگستری + تعیین مدت

دفعات کنترل

خاتمه؟ در خصوص مقامات ماده ۳۰۷ = تأخیر رهبری قوه قضائیه + غیر قابل

تفویض بدان

خاتمه؟ کنترل اربابهاست مفاد اتی مدعیان ؟

۱۱ تسفین دادگاه جری که رهبری از نظر آن اجرا شده

۱۲ تسفین مافی اجرای احکام

خاتمه؟ کنترل مساجدای جنلی = ضرورت + کسب جرم با دستبندی به ادله

+ تأخیر رهبری کل دادگستری استان

خلع؟ ترمیم در اسلالت هستی؟

"ص بودید صحتهم در آن" + علی قریب شرف جرم، دست
بنا در آنجا است. ج. دانشنامه فقهی.

۱۲ تغییر در اسلالت مستورا = ۲ تسمین دلاگاه + ج
مورد عقلا زخه ان.

اشنا قاجیه سرد = ارسال = تسلیم

با عدم قاجیه = ضبط تغییر ۱۵۲ م

خلع؟ اصل لزوم در دسترس قرار دادن دلائل جرم برای مرجع

استناد = اسناد حسبی در کلی حسبی = موافقت
= قابل کنفرانس به ریشی سازمان قضای خرد هانی

خلع؟ امتناع از در دسترس قرار دادن ۲ حالت دارد:

۱ امتناع استماع = اتصال سوکت ۳ ماه تا یک سال

۲ امتناع به قلم فدا صی تتم از صاعه و طرسیت = دست

به تعاون مجازات اسلای م ۱۵۳ و تبصره

خلع؟ تسمیم در حد ن دلائل سوکت در کسب جرم به دلیل خامسین

جایز پس جرمی خنه (جا)

در صورت خد سوچه، مقام قضای رسیدگی کننده جرمی خنه

خات = اجمع به کار مناهمی؟ مواد ۱۴۷-۱۵۵

۱۱ آثار ارجاع امر به کار مناهمی = ضرورت

الف. اصلاً جایز است

ب. با قضای کلی از حد من

۱۵۲ ۳

سیناس به چه نام

۱۰ = تعداد عدد = داد اکتی

۱۵۲ - قسم

= سناری در تخصص

۱۵۷ ۳

سیناس = قبل از ایجاد

جامع تفسیر دستبرد و علامت است - جریان دستبرد
جالات بران از تعرفه وجود ندارد.

سیناس = تفسیر کار سیناس دیگر + اعلام تلف

۱۵۹ ۲ - ۱۵۸ ۳

سیناس + عدم عدم وجود = دستبرد سیناس

۱۴۳ ۳

۱۲ اختیار ایجاد کننده

تفسیر م ۱۴۳

کار سیناس صادر شود

کار سیناس صادر شود که عبارتند از نوم حضور کار سیناس

توسط کار سیناس اگر بران عدم حضور نماید

کار سیناس ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ = حضور

۱۴۱ ۳

اعلام نظر موق

مسئله

کار سیناس با اذعان احوال حقوق و علم = در حکم

۱۴۴ ۳

+ ارجاع به کار سیناس دیگر

تفسیر - ۱۵۸

سیناس = عبارت در کار سیناس

خلفه؟ اعضا و جلد = کفایت ادله
عدم کفایت ادله برای جازم است
کادرجه و ایجاد سبب کفایت (کادرجه)

خلفه؟ ذات حضور و نتیجتاً عدم حضور در ادله
است در ۳ استناد علت حضور کم می شود؟
۱۱ خفیه انتقامی مستدام
۱۲ علت عمدی
۱۳ استیفاء عمدی

خلفه؟ اگر چه مستدام برای آگاهی از علت اعضا، قرآن به دست هر جمع کفایت می آید
خلفه؟ اعضا از طریق استیفاء آگاهی = علوم میزان صلوات مستدام +
بی نتیجه شدن دستیابی به مستدام

خلفه؟ ذم عنوان التمام در آگاهی لازم است مگر مسئول ۳ استناد فردی التمام
شود.
خلفه؟ حضور مستدام ظرف یک ماه از تاریخ استیفاء آگاهی ۳ ۱۷۴

خلفه؟ اگر از طریق مسانده های رایج ای دستجاتی اعضا یا ابلاغ صورت گیرد،
در مقام جابیه با خبر شدن و اعلام رضایت شخص جابیه.

خلفه؟ اگر چه فاصله ابلاغ اعضا تا حضور جابیه ۵ روز است. (از تاریخ روز
جابیه تا جابیه جابیه، اما امکان تمهید تا ۳ روز وجود دارد جابیه ای بعد از
ابلاغ قبلی به جازم است + موافقت جازم است + عدم ایجاد تأخیر در تحقق
+ جدول اخذ وجوه = تمهید تا ۳ روز

خلعت؟ عدم اعلام عذر یا عدم حضور در محل عذر سوج = جلب

خلعت؟ عذر دوم اعراض (فقد عذر) = ایشام قافوا + افعال صلیبه حسین

تعم
خلعت؟ عیب بسیار = ۱- از آزار بران تعم در ۲- تمسک امکان دارد؟
ا- اذیت، صابحه، عیب
ا- اذیت، شکر، عیب + حیرت = ۱۸۴۲

خلعت؟ عدم لازم جلب با جود ورود، یقین علاوه بر داشتن علم جلب، اینه
علم ورود به محل از تمام فضای برای صابحه لازم است. تعم ۱۸۴۲

خلعت؟ بعد از جلب اصل فریاد ارجاع به باز پرس یا قافوا حسید و جود دارد.
لذا تکلیف به تحویل خوی است.

استناد؟ اگر علت سوج و جود دارد، جاد کسوت علمهای هر اتم تا ۲۴
ملاعت می تواند تا حین در تحویل صورت گیرد.

خلعت؟ فاصله جلب تا تحویل جایه تعیین اتمام صورت جلبید. تعم ۱۸۵

خلعت؟ اصل بر این است که در صورت عذر سوج، باز پرس و حلیفه ای به حضور
تم در فرد ندارد و بعد از رفع عذر، خود بایه حضور عیب اینه.

اما استناداً جامع ۲ شرط اهیت و فوریت، باز پرس مکلف
است مضمناً برای تحقیق تم در فرد کارای عذر جود. ۱۸۷۲

کتاب: در چهار مورد دستوری خروج از کسره به کلام خود به خود استغنی می ماند ؟

۱۱ مرقون استغنی

۱۲ مرقون استغنی

۱۳ مرقون استغنی

۱۴ مرقون استغنی

خوابند دستوری خروج از کسره :

۱۱ استغنی

۱۲ استغنی

۱۳ استغنی

(۱۱۸۸)

کتابت

کتابت: به دلیل اصل عدم توقف تحقیقات «سوار ذیل دادستان» تحقیق را به جازم می دگر جان داد می دادگاه محول نماید ؟

۱۱ عینت جازم می

۱۲ عینت جازم می

۱۳ استغنی جازم می از شروع به تحقیق

با اتمام ۲۴ ساعت نیت نظر اکتیف می ای جازم می ایجاد می شود ؟

۱۱ شروع به تحقیق

۱۲ تقسین اکتیف و خود

جامع م انجام می دهد از این اکتیف و اول اکتیف و اکتیف می جازم می دارد ، هم جازم می عینت جازم می واقع شده است .

۱۱۹ ← ۲

تجرب

و وظیفه می کند و دلیل که در م جمله تحقیقات قضائیه می تواند حضور جازم می ، می از استرد ذیل است ؟

۱۱ اظهاراتی ، اکتیف می کند به اکتیف می

۱۲ بیان مطالب اکتیف می تحقیق و دفاع از اکتیف

که اصطلاح دلیل جاریه لزوماً در استنباطی دفاع از موکل خود باشد و نه صرفاً کشف
حقیقت

۱- تکلیف جاریه در حضوری حضور دلیلی

۲- تفهیم حالتی جزو دلیلی در مقام

۳- عدم سبب مهورکاری در حق

موانع اجرای عدم انجام این تکلیف، چنانچه در اولی اعتباری محققات
است.

• حضور الیه اجاد دلیلی در سه حله تحقیقات ؛

۱- اجازات طلب حیات

۲- اجازات حسب احوال

در این مورد جاریه من وکیل تسخیمی نفسی ای کند

۱۹۰ م
و تقصیر ما

خلت؛ تمام عدم دست یاری، توسط جاریه من به اجابت می تواند صادر شود ؛

۱- ضمانت با کسب حقیقت

۲- احرام علیه امنیت

خلت؛ این تمام، لوداً حضوری ابلاغ می شود. حائفاً ظرف ۳ روز قابل
اعتراض است، حائفاً خارجاً در وقت فوق العاده به اعم از رسیدگی ای کند

۱۹۱ م

• اصل غیر علی بولان و اتم ای بولان تحقیقات ؛

به این معنا که مشای و متمم جاریه غیر مواج حضوری چید اخلت

اعتسار؛ در حق اتم قابل گذشت حق الامکان مراجعه حضوری صورت

گیرد کار رسیدگی جنبه تم اتمی چید اتم از اتم علی بولان و اتم ای بولان

رسیدگی، اتمی ای نماید

۱۹۲ م

مصدق در حضور ابراهیم استعم ، لزوم تحقیق ابراهیم جازح من ایجاد می کند . امر از جنین
نخبر به قلم ... در ... استان ...
مقدور است ... استیفاء ...
استماع از دست ... مقام قضای ...
(م ۲۰۲)

و امر هم جازح من بقا برده ...
به وزارت ...
قانونی اتمام تحقیق شده است ؟

۱۱ حسب حیات

۱۲ قطع عقد

۱۳ حسب اه

۱۴ کفر ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴

۱۵ خبایث علی رسول $\frac{1}{4}$ به کلیل یا حیثیه از آن
تحقیق از مورد مطلقین ؟

کُناه یا طلع ؟

الف عذر سرجه نه الفته با هم = حلی می شود

ب با عذر سرجه داشته با هم = جاز دوم اخصاری می شود ، در صورت عدم حضور

حلی می شود.

حکمت ؟ حلی کُناه یا طلع به معنای الزام ادره اداری سعادت یا میان اظهارات

کسیست .

اگر سعادت کُناه دریا اظهارات مطلع کتفا دلیل اجبات کتفه حرم بکنند ،

لزوماً باید حضوراً استماع گردد اما اگر دلیل ستمم خباثت ، به صورت

الکترونیک نیز امکان دارد .

حکمت ؟ در مورد خیم رهای مسلح هر اقل ۲۴ ساعت قبل با از هم یق خرابانده خارج

دعوتی خیره و وی سلف به هم رساندن آن دعوت شده است .

تفسیری بر آن در مورد مسعود و سطره و ان رعایت می شود. یعنی نه با جمله حکم نه
درستیم مواجعه لغزوت و غیره است با آنکه ما از اینها تاکنون هیچوقت در
این باب خبر نداریم = استناد به آنچه حضرت مسعود در کلام خود بیان کرده است.

و اصل برای این است که در این باب کتب کثیری دارد هم در دست و هم در کتابت و این
کلمات در لغت و لغت و لغت است. اما در لغت و لغت و لغت است
دارد اما چون عبارات ندارد که در این کلمات فایده معانی است.

اگر شاه یا مطلع استماع کند، استماعی با ذکر علت در صورت تمسک می شود.
(درج)

اگر شاه یا مطلع می باشد لازم را ندارد، اطلاعات او هم قائم ای اطلاع بیشتر هفت
عنوان هم این دانات اکتفا کرد.

۲۱۲ ، ۲۱۱ م

اصل این است که حرفه مسعود یا سطره یا جبهه کلماتی که در دست است
استنادات ؟

۱۱ کلماتی توانایی مای ندارد

۱۲ سطره تقاضای افضل شاه یا مطلع را کرده است

۱۳ خارج از این شخصاً احضار کرده باشد.

در مورد فوق از اعتبارات قوه قضاییه در دست می شود.

۱۲۵ م

در خصوص حرفه ها :

الف - در جمیع غیر قابل گذشت حق اگر کلماتی توانایی غیر داشته باشد ،

اما از این دانات حرفه خود را می کند ، حرفه ها از اعتبارات تیره قضاییه در دست
می شود.

ب - در جمیع قابل گذشت + کلمات مای کلماتی = استماع دانات یا اطلاعات
مطلوبین صورت می گیرد.

اصل این است که باز هم پس تلف به حضور قر کساهد یا مطلع نه ارد مرد ۳

۱۱ کساهد قر انه خاصه شود

۱۲ قر الز ط و ج ا ن ه

۲۱۶ ۳

۱۳ ا ن ه ی ت و ف ر ی ت ا ق ض ای ح ف ر م م و ن ا ط ا ی

قر ح ط ی ت ا س ی ن ؟

«قبه بی»

۱۱ الت ز ا م ب ح ف ر م ب ا ق و ل ش ر ف ← ت ع ی ن ر ج م الت ز ا م

۱۲ الت ز ا م ب ح ف ر م ب ا و ج م الت ز ا م

«قبه بی»

۱۳ الت ز ا م ب ع د م خ ر و ج م ا ز ح و ر ه ک ف ی ا ب ا ق و ل ش ر ف ← ت ع ی ن ر ج م الت ز ا م

۱۴ الت ز ا م ب ع د م خ ر و ج م ا ز ح و ر ه ک ف ی ا ب ا ق ی ن ر ج م الت ز ا م

«قبه بی = ا س ت ع ا ع م س ت ع م ا ز خ و ج م ه ی ت ع ا م»

۱۵ الت ز ا م ب ع د م خ ر و ج م ا ز ح و ر ه ک ف ی ا ب ا ق ی ن ر ج م الت ز ا م

۱۶ الت ز ا م ب ع د م خ ر و ج م ا ز ح و ر ه ک ف ی ا ب ا ق ی ن ر ج م الت ز ا م + و ا ف ا ق ت س ت ع م

+ ا ق ه ت ع م

۱۷ الت ز ا م ب ع د م خ ر و ج م ا ز ح و ر ه ک ف ی ا ب ا ق ی ن ر ج م الت ز ا م + و ا ف ا ق ت س ت ع م

۱۸ ا ق ه ت ع م ک ف ی ا ب ا ق ی ن ر ج م الت ز ا م

۱۹ ا ق ه ت ع م

۱۰ ا ب ا ز ا م ت ع م

حکمت ۱: همه ابعاد تبدیل تمام را حاصل نماز است نه تمام تمام را تا سبب صادر کند
را از جهت است و به شرح ذیل است: $صداقت = کمال$

۱۱) $حکمت اول = تبدیل نوری کمال به وجه انوار الهی$

۱۲) $کمال = ۲، ۳، ۴$

۱۳) $حکمت دوم = حیرت، حیرانم، حیرانم = تبدیل به کمال است$
 $حکمت ۳: هدایت کمال به کفالت به وجه در صورتی که از خواست تمام وجه صادر$
 $= کفایت بازمی آید به کمال$

حکمت ابعاد تمام را های تا سبب؛

۱۱) $تعدد اقسام = تمام واحد$

۱۲) $انسان = اختلاف در صلاحیت ذاتی$

صلاحیت ذاتی در خصوص دادگاه ملی اختصاصی طرح است. صفت دادگاه نظامی،
دادگاه انقلاب، دادگاه روحانیت، که در این موارد هم اقسام ذیل تمام
تا سبب هر آنگاه لازم دارد.

۱۳) در تمام های تا سبب که در آن تمام صافی تقسیم و کسرده خیاره صلیح از خسارات

دارد به جزه دیده کمال جانم.

صلیح تمام تا سبب = کمال خسارات جزه دیده جانم

حکمت ۳: تمام تا سبب حاصل تقسیم شده همه.

۱۴) $منوعیت تمام کفالت و کفایت در جرم این علم مدنی$

استناد؛ روش دیگری برای تعیین حقوق جزه دیده وجود داشته جانم.

۱۶) اصل بر امکان وصول خبری فقهی از محل تأسیس است.
فصلت: در صورتی که خبری غیر از محل تأسیس باشد، اما توانایی آن
بازد، آنگاه خارج خبری است. و گفته اند خواهی که، اما با رعایت
تفسیرات ذیل.

۲۳۳۶

۱۷) فوت کامل یا دمیته = منقوع شدن تمام قبوی کفالت یا دمیته
اعتساده؟ و اگر آنگاه فوت بعد از اقرار در کفالت یا منبسط دمیته باشد.

۲۳۳۷

بیمات اعتراف به اقرار وجه اللفظی یا وجه التزام یا منبسط کردن دمیته؟

۱) عدم رعایت مقررات

۲) به نفوی از الفاظ منبسط یا منبسط استقامت از حدود

۳) علت معنی نفوی فوت استقامت

۴) اعسار بعد از صدور تمام قبوی کفالت

بنابراین هم ف ادعای اعسار می تواند جهت اعتراف منسحب شود.

۵) هر گونه عدم خبری که دلیل وجه داشته است.

صحت اعتراف = ما روف

جمع اعتراف = دادگاه میبری ۲

۲۳۵۳

مسئله: در صورتی که اعتراف = خارج از وقت و بدون تأسیسات

فصلت: حضور تمام، فاصله صدور دستور دادستان تا قبل از خاتمه یا متن
عملیات اجرایی = دستور اقرار یا منبسط هم آنگاه تا $\frac{1}{2}$ وجه تمام + لزوم تکمیل
وجه تمام

در دستور اقرار یا منبسط، اگر چه میزان مبلغ مندرج در تمام مهمی باشد، اما
مطلوبه از آن تا $\frac{1}{2}$ منبسطی گردد معنیست. و تا زمان وصول تمام باشد، طایفه
به منتهی رقابت دایره سرد تمام صادره به موت خود باقی بماند.

تیم ۲۳۲۲۰

کلیه؟ اصل عدم جواز بازداشت وقت است. لذا اولاً کلیه بازداشت وقت شایع در قوانین داخلی و منشع در بیخ حقوق اساسی و به استثنای مواردی که در این موارد ذکر شده است.

دلیل عدم تقسیمات در ۱، ۲، ۳، ۴ جواز بازداشت وقت و در جرم اعم علیه امنیت آن ها در تقنین گذشته و در جرمات جرم بازداشت وقت دارد. ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷ ملاحظه می شود.

کدام ۲۳۷؟ بازداشت وقت

۱) مجازات قانونی سلب حیات اعم از قصاص، جرمی یا کلیه جرمی یا جانی.

۲) مجازات قطع عضو، اعم از قصاصی یا جرمی است.

۳) سزا محتمل برای جانیان در اطفال جواز بازداشت وقت دارد، اما قریب به

زنان و اطفال اگر چه ازیت و آزار آخان و عسر و حرج است، جواز بازداشت وقت ندارد.

۴) در صورتی که در این موارد ۲، ۳ و ۴ با جمع شود.

الف) اعم از ذکر شده در جرمات و جانات فاجعه. زیرا در این صورت جانیان به ب استناد می شود.

ب) ایجاد حالت غیر اجماعی. به این معنا که بعد از صدور حکم حکومتی قطعی، فرد مجدداً این عوارض را تجربه کند، آنکه اگر کرده باشد.

کلیه؟ صرف عوارض جسمانی سنج در ماده ۲۳۷ م ای بازداشت وقت جانی نیست. بلکه برای بازداشت وقت ۲ هم با جمع شود؟

۱۱ عوارض سنج در ماده ۲۳۷

+

۱۲ وجود مجازات بازداشت وقت در ماده ۲۳۸

کلیه؟ اصل این است که مجازات بازداشت جنبه درجه ای اعم از فرد قید می شود. مگر جهت جانی که این جهت جانی درج می شود.

دادگستان در مورد قمار جازد است - طرف ۲۴ ساعت حتماً اظهار نظر می کند.

اشتلاف جازبه به افتاد است (۱) = هر عمل ادا ادا دادگاه صالحه (هوا آرن) دادگاه
که با اصل اتمام شناخت، رسیدگی دارد (در هر حال دادگاه صالحه طرف ۱۰ روز
کاره عمل اشتلاف - کند.
۲۳۴ - ۲۳۵

افتقاد علت بازداشت = افتقاد جازد است - وقت
ولتا اگر در این مفعول نیز همین دادگستان در جازبه من اشتلاف سرد، باز هم
دادگاه صالحه برای حل اشتلاف دادگاه صلاحیت ارهست با اصل اتمام است.

سنتی شدن علت بازداشت = عقود خواستند قمار جازد است - جازبه
آن برای ستم = لزوم اظهار نظر جازبه من طرف ۱۰ روز. در صورت رد
درخواست = عقود اتم ستم طرف ۱۰ روز

کلت؟ درخواست قدم جازد است - جازبه آن در هر ماه فقط یک بار امکان
کاره
۲۴۱ م

کلت؟ تک یا تقصیف قمارهای سنتی به جازد است - وقت نیازی به موافقت دادگستان
خارد. (اجرای قمار جازبه تا جایی دادگستان کاره)

کلت؟ تک یا تقصیف جازد است - وقت نیازی تا جایی دادگستان است. زیر اد این
سوار اقبه به حساب ^{یا اقباد} و اما جازد است - وقت صادر شده است. در حالی که در
سود قمارهای که سنج به جازد است - حشره، عجات جازد است و جرد نه است،
در هر دو اهمیت و این آری دارد، تک یا تقصیف آن ها سوزول به تأیید دادگستا
لست.

کلت؟ اصل بر این است که در جازد است = هر عمل جازات حبس که اجبت با
سود را اکتفیک کرد.
۲۴۲ م

عمل اختلاف بین اذان و جازم من چاره سبکی به اعمه امر استعم در حضور

مراها وقت فوق الزمانه

بات آمد چیده هاج، که سستی نه دادگاه از خارج هاج، دادگاه، که الله هم از کاسه
صادر کند، در این صورت اعمه منقی به جازم است همه در دادگاه تحبیه کتم است
به آن اعمه امر، خواسته شد.

دوره هم اینم در ۷ و ۸ که سستی در دادگاه مخرج می شود، دادگاه حق در دور هم
کاسین خارد فقط هم قطرات قضای می تواند در این کده سه مرتبه اول
هم ان خسارات کفین گردد.

هم اینم در ۷ و ۸ + کفین خسارات = فقط هم قطرات قضای

۲۴۷ ، ۲۴۶

حله: جمع بین هم از کاسین با قطرات قضای سنی مازد.

حله: نمره اعمه امر از عیب صحت - امروزه و سه هم، حسیه گاه گنده در قطرات قضای
و هم از کاسین منقی به جازم است کسان می باشد.

۲۴۸

حله: هم از مخرج خروج = ۶ ماه + قابل هم

و هم گاه های هم از کاسین، قطرات قضای = مستهل + سه + صاف
۲۵۰

حله: صفات اعمه امر از کاسین به صحت است انتظامی در ۴ و ۵ و ۶

صادر دفع هم از کاسین؛ با قطرات قضای

۱۱ هم در ۷ به اعمه امر حس، تبعیه یا اقلیت اعمه امر

۱۲ خاتمه اعمه امر ایجازات

۱۳ به هم حس منقذ، حین چرخه. اعمه امر از مخرج کفین، سه و کفین، تسبیح

۲۵۱

اعمه امر ایجازات و مآله آن

ن
قمار خطرات قضایی + رعایت دستورات = در فراغت تصنیف توسط دادستان
از دادگاه

۲۵۶۲

نیابت انجمنی عدم رعایت دستورات حکمات قضایی؟

۱۱ خطرات استثنایی + (این) = لغو دستورات قضایی + کسبه قضایی

۱۲ عقد حکمات قضایی = تبدیل به تأمین

۲۵۶۳

نکته؟ در هر ۲ حالت فوق‌الذکر استناد به جازداهست و جود ندارد.

۲۵۵۴
حیران خسارت ایام جازداهست = حکم داهست - جامع اربع لغت

استنادات عدم حیران خسارت ایام جازداهست؟

۱۱ عدم ارائه ادله بی‌مانعی

۱۲ به قصه خرابی دادن خود را در سفار ایام جازداهست. دگاه هم از ایام جازداهست در دیوانه‌گویی

۱۳ خودسویی جازداهست - تا عقاب شده جازداهست

۲۵۶۴

۱۴ هر زمان به عدت قانونی از ایام جازداهست جازداهست.

ن
نکته؟ در هر دو صورت حیران خسارت ایام جازداهست و کسبه استثنای حکم جازداهست

خسارت صادر می‌گردد.

ن
نکته؟ در فراغت از کسبه استثنای = اعم از این به کسبه علی + ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ

ن
نکته؟ در فراغت حیران خسارت ایام جازداهست = ۶ ماه از ابلاغ رأی قطعی

۳ قمر قضات دادگاه تجدید نظر استان (ن) استنف
۲۵۷۴
رئیس تدوین قضاییه

۲ قمر از قضات دیوان عالی کسبه استنف رئیس

۱۵۸۴

رئیس دیوان عالی کسبه یا عادلان دی

اصل بر این است که دولت مستقیماً بر ای بارزاد است نه بی خانه چنانچه احکامات
بی خانه و مستقیم بر رسول است پس بارزاد است بی خانه بی هیچ تفرقه
که در آنست که اصل اولی که یکی از ۳۳ است و ذیل است ؟

- ۱۱ اقدامات و نشانه جرم
- ۱۲ قضاوت کذب
- ۱۳ اذقیصم و تکرار = قضای

ام ای آرای حسین = از حل مسئله و ذرات دادگستری

کلیه؟ اولین اقدام به از غنم تحقیقات، اخذ آخرین دفاع است.
استناد؟ اگر مستقیم یا دلیل اقرارش و جدول اقرار و جرم حاضر خبر در این استناداً
بیون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تحقیق می شود
۲۴۲، ۲۴۳

کلیه؟ اگر عمل جرم است + قابل اثبات چیزی باشد = تمام جرم در دادگاه

کلیه؟ اگر عمل جرم است یا جرم است اما دلیل کافی بر اثبات وجود ندارد
= تمام منع تعقیب

در هر ۲ حالت دادستان طرف ۳ روز حبساً جای دیگر خود را اعلام کند.
(۲۶۵)

کلیه؟ مهلت جرم می باشد از غنم تحقیقات برای تمام جرم در دادگاه
تعقیب جرم ۵ روز است.
(۲۶۴)

کلیه؟ هر فرد است که تحقیقات از طرف دادستان (از جرم) + جرم از
کسب حقیقت = مکتوب است قضای کار جرم ۳
تیم ۲۶۴

کلیه؟ مراقبت دادستان و جرم می در مورد عدم صلاحیت = ارجاع به دادگاه صالح
۲۶۷

انواع اعتراف هتای؟

۱- اعتراف غیر اقرار است

۱۱- سب و لعین = قتل بر اثر قتل حلیه به داد می

۱۲- قتل و سب = قتل بر اثر قتل حلیه به داد می

۲۷۳

۱۳- اقرار اخطا = نمودن آزار = ادای تعقیبات

۲۷۵

کلیتاً تعقیبات جاری به صورت رقم صحیح دارد.

• دوق اعتراف هتای وارد است و ذایع لعین حلیه به قمار حلیه به داد می

می شود، مجدداً جاری می شود هر چه را جای انجام دهد؟

۱۱- اخطا

۱۲- تعقیب اتمام

۲۷۶

۱۳- اقرار هتای در ذایع با قاسین مناسب

اعتراف هتای به سب و لعین = قتل بر اثر قتل حلیه به داد می + ادای

۲۷۷

تعقیبات هر ف خط از علت سب و لعین

• قمار سب و لعین دوق قطعی می شود از نظر امکان تعقیب مجددی از ۳ حالت دلیل

را دارد؟

۱۱- علت عدم خبران عمل است = صحت تعقیب مجدد

۱۲- علت فقدان دلیل یا عدم کفایت دلیل است؟

الف- در هر چه داد هم ا با خط دادستان یک بار تعقیب مجددی شود

ب- اگر در هر چه دادگاه به درخواست دادستان، با اجازه دادگاه تعقیب مجدد

۲۷۸

صورتی کرد.

• در کسب غرامت علاوه بر مستغنیات و دفع آزار قاسین اعم از آزار یا جازد است،
و مستهل دستنه بران؟ اولاً مستلماً با حکومت و در هر چه می شود. لذا کسب

سوابق خدمت درج می شود.

کاملاً به سوابق و رتبه علی-مبنایه ، و نام و رتبه خدمت سابق باید درج شود.

در صورت عدم یا اشتباه درین کتب فراموشی ، دادستان می تواند یاد آید کرده
یا بعد از ارجاع به دادگاه برادر اطفالی را اعلام کند. لذا هر قلم یا اطفال فرین =
اصلاح یا اعلام .

ختم ؟ در مورد عدول یا مسترد کردن این فراموشی بزرگ دادستان امکان ندارد؟

۱۱ ارجع به اصل اتمام

۱۲ ارجع به دلائل اتمام

ختم ؟ دادگاه محاربه می تواند عنوان اتمام این فراموشی را تعیین دهد و البته عواقب
دفاع خود را تعیین کردن اتمام جدید به صورت فرد جانی است .

۲۸۰ - ۲۸۲

مدار عدول از این فراموشی ؟

۱۱ در جرم قابل گذشت + گذشت منافی = صورتی تعقیب (توسط بازرس
مادری شود)

۱۲ جرم غیر قابل گذشت + گذشت منافی = تعقیب تعقیب

۱۳ جرم غیر قابل گذشت + گذشت منافی + تعیین جازات = عدول +

تعیین این فراموشی جدید .

۲۸۳

اصل بر این است که به تعداد اتمام ها صرفاً یک کیفر فراموشی صادر می شود.

لذا تعداد اتمام = کیفر فراموشی واحد

استناد ؟ تعداد اتمام + ملامت ذاتی = کیفر فراموشی های جداگانه

۲۸۴

تخصیصاتی تحت اطفال در جرایمان ؟

اگر از جرم ۱۵ سال به طور مستمر جرم به دادگاه ارجاع می شود . آنرا از ۱۸ تا ۱۵

سال . + زنا ، کلاهبرداری و جرم منافی عفت + در جرم ۸ تا ۱۵ = مستحضر

دادگاه

۲۸۵۳

اخذ ۱۸-۱۵ سال = دادمهای رتبه نوجوانان

درجه اول مسترد، ضابطه فقط باید مستط دلائل دارد
برای مسترد: استنلال و نوجوانان = مدرعیت تحقیقات قضائی کردید.

مناصب
برای درجه ۱۵ و ۱۶ درجه اول اطفال و نوجوانان الزام به تسلیم کرده
شخصیت دارد. ۲۸۶۳

اطفال زیر ۱۵ سال = مدرعیت اقله کفیل یا دیتیم + همسر آن به والدین
یا هم شخص معینی یا حقوقی.

نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال = اسکان اقله دیتیم یا کفاله =
نقده و جایگزین شدن همهماری بوقت در کارون به جای کفیل یا دیتیم
در صورت عجز از معرفی کفیل یا دالان دیتیم. ۲۸۷۴

دادستان کل کشور؛

دادستان کل کشور چه دادسمها اعم از عمری، انقلاب و قضائی، قطعات
دارد.

آرد در قطعات باجرم یا تفتی میفرود کند، وظیفه اعلام دارد.
دادستان کل کشوری تواند در سردر انتصابات، جایه جای، تعیین مفضل،
کفیل محل خدمت، بر همین اقوه قضائیه مینمادده.

- ۱) اگر چه همه انتصابات با مینماد دادستان کل و کابینه رئیس قوه قضائیه است
- ۲) اما در ۲ حالت صرف مینماد کافی نیست: دهم در راجع به دادستان حمایت؛
- ۱۱) انتصابات دادستانهای عمری (هم چینی - بر جده - غیر (بر حسب اقت))
- ۱۲) مینماد دادستان کل کشور + موافقت رئیس کل دادگستری استان
- ۱۳) دادستان قضائی = مینماد دادستان کل کشور + موافقت رئیس

۲۸۸ و ۲۸۹

کنزبان قضائی نیزهای مسلح

مطلبه تطاریت و ملیتی = جمایم علیه منافع ملی و حقوق عمومی
حکمت ؛ اعلام صوغیت فروع از کسدر + نوع - نوعیت = اعتبار دادستان
کل کسدر

اگر جمم در صلاحیت دیدار عالی کسدر بود سابقه تظلمات عقاب کسدر است
صلاحیت تحقیقات نیز جادانهم ای دیوان عالی کسدر است . م ۲۹۱

دعایم بوجه حقوق عام ، دولت - خصم به ، ارحاف ، معجزین رعایب
مفقود الام فی مسقط است = حکم قطعی + خلاف بین شیخ یا قانون + «خواست
دادستان کل از دیوان عالی کسدر = نقض حکم + ارجاع به شعبه خصم عرض
م ۲۹۳

تکلیف دادگاههای کسری ؟

کسری ۲ = ۱ رئیس یا کار درین علی البیل

کسری ۱ = رئیس + ۲ مستشار

امستاد ؟ اگر ۳ مستشار باشد ، رئیس = مستشار با سابقه قضای بیستم

اگر کسری یک و انقلاب ، با فقدد کافی باشد ، هیئتی کتبه ، مستشاران

دادگاه تجدید نظر نیز می تواند در تکلیف این ۲ دادگاه قرار گیرد . تبصره ۲۰ م ۲۹۶

لازم الاجرا من قانون چه به عبارتی باشد ، ذاجرایم هت هت قبل از لازم الاجرا
کهن این قانون ؟

الف) از حکم صلاحیت قابع قانون سابق

ب) از حکم صلاحیت کسرات = قابع قانون جدید

کسری استان = کتبه بیل به کسری یک

عمدی جزایی = کتبه بیل به کسری در

اصل بر این است که دادگاه انقلاب باید رئیس یا دادرس علی البطل یا
 یک مستشار قضایی شود.
 استناداً در سند هیات، حسن ایه، قیصر عشر، نهایت محمدی دولت در
 یا بیستم و تفویضات در بالاتر دادگاه انقلاب یا نهاد قاضی قضایی می شود
 یعنی یک رئیس در ۲ مستشار ۲۹۷۴

عدم تسلیس دادگاه اطفال و نوجوانان = جایگزینی مشورت دادگاه کیفری ۲
 صلاحیت دادگاه عمومی بقضی = صلاحیت دادگاه کیفری ۲

قلت دعاری = آلت خانه دادگاه عمومی بقضی + تسلیس رئیس قوه قضائیه

کمیته دعاری = تسلیس دادگستری در حوزه قضای بقضی + تسلیس رئیس
 قوه قضائیه

عضو دادستان یا نماینده در کمیته یک = تمامی جلسات الزامی است.

عضو دادستان یا معاون او یا یکی از داریاران در کمیته در تمامی جلسات

امتیازی

حکایت عدم حضور دادستان در کمیته یک یا کمیته در سوخت توقف رسیدگی
 تعداد سه مرتبه اینک دادگاه حضور الزامی تسلیس دهد. م ۳۰۰

اصل بر صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است که سوار امتیازی ماده ۳۰۲ که استناداً
 کیفری یک صلاحیت دارد.

۳۰۲ و ۳۰۳ م رجوع شود.

اموراً صلاحیت ارجع به جم این امر از ۱۸ سال جا دادگاه اطفال و نوجوانان است.
 ملاک در قانون آیین دادرسی کیفری چه بلوغ نمی است و نه سن بلوغ.

طهران با جالی ۱۸ سال = خلدای در نصی جوانان در خاندان
حالات متنوع از ۱۸ سال + در حین رسیدگی = آثار با آگاهی از احوال در
جوانان

با آثار متنوع سن از ۱۸ سال + قبل از شروع رسیدگی = دادگاه میفری +
استیازات دادگاه - اطفال
مهر ۲۰۰۳ م ۱۰۴

جرایم سیاسی و طبیعی ۱۰ م ملامت = محل وقوع جرم + میفری بد - خاندان
+ علی + حضور هیئت منصفه
۴۵۲

جرایم عمومی تقاضایان با درجات سه درجه ۷۰٪ = اصولاً دادگاه میفری
استان تهران

جرایم عمومی تقاضایان با درجات سه درجه ۷۰٪ که در قانون مجازات مجرمان
مسلح تصریح نشده اند = استثنائاً دادگاه تقاضای یک یا دو تهران

جرایم خاص تقاضایان = دادگاه تقاضای یک یا دو

جرایم ساده ۳۰۷ و ۳۰۸ که تقاضایان زمان داشتن حمت، احوالی می شود،
کمی قبل جرایم قبل از داشتن حمت این افراد اینجانب مناسبت می گردد.

مادت ملامت ؟

۱۱ اصل جرم ملامت دادگاه محل وقوع جرم است . لذا اصلیت = محل وقوع جرم

۱۲ ارتکاب جرم جرم = دادگاه محل وقوع جرم است

۱۳ ارتکاب جرم جرم با مجازات سزای = دادگاه محل دستگیری

۱۴ اگر ستم دستگیر نشده = تاخیر در رسیدگی = دادگاهی که اینه شروع به تقویت کرده است

سلامت اضافی هفتاد کارگردان جرم خیز در دادگاهی ساخته شده به اتهام
تعمیر اصلی، رسیدگی می کند. ۳۱۱

آری یکی از سه کلین، از افراد ۳۰۷ یا ۳۰۸ ساخته، = حساب سه کلین خیز از آن
فرد نسبت به گذشته. هفتاد کارگردان ساخته است.

از میان جرم طبیعی از افراد ۳۰۷ و ۳۰۸ ساخته افراد ۳۰۸ خیز در ۳۰۷
تعمیر می کنند یعنی کینی تعداد آن صالح است.
امروزه اطفال به جرم هفتاد ساخته شده، هفتاد جرم از کتابی
توسط طفل در نوزده سال واقع شده ساخته، فقط اطفال در دادگاه اطفال
ساخته شده. لذا نوزده سال، ^{ساخته} ~~ساخته~~ با هفتاد طفل ساخته در همان
دادگاه عمومی ساخته شده.

جرم طفل + نوزده سال = فقط اطفال در دادگاه اطفال
استناد؛ آنگاه جرم به نفی است که در کتاب آن خبر در کتاب ۲۰۰۰، لازم
دارد که یکی نوزده سال یکی طفل است، که در همان دادگاه اطفال ساخته
می شود. اما نوزده سال در همین دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی
خواهند بود.

تعداد اقامات + کلیان بران سلامت ذاتی = رسیدگی توانان + صالح
بران دادگاه، رسیدگی گفته به جرم مستتر.
لذا همه اقامات در این دادگاه تصحیح می شود.

اقامات متعدد + عدم کلیان بران سلامت ذاتی = اجتهاد دادگاه رسیدگی به
حکم بین اتمام صالح است.
استناد؛ بنابراین مجازات ها صادر می باشد، با رعایت ترتیب، اعتدال،
تقاضی، کینی یا کینی یا

اصل تصرف ملامت کینری یکم کینری در و اطفال به این معناه حق
آمریک اتمام در ملامت کینری یک جا منه ، تمام اتمات که در ملامت کینری
۲ یا اطفال است نیز جمع شده و همگی جایه در کینری یک رهبری موده

اصلا حقوق تمام رهبری در کینری یک یعنی اگر دادگاه بعد از حکم صادر شود
عنوان دیگری را هم ای آن علی تسمیه داد که در ملامت کینری خود است ،
نیازی به ارجاع ندارد خود در کینری را اول داد و حکم صادر می کند .
(سم تصرف کینری یک و حکم صادر می)

حکم اطفال اگر از جرایم باشد که در ملامت کینری یک یا در ملامت اطفال
است ، در این صورت به دلیل طفل بودن به دادگاه کینری یک و نه اطفال ارجاع
می شود که چون به هم حال شبیه ای از کینری یک است دادگاه تفصیلی
مسئوبی کرده است و نه از آن دنده هلی دیگر بوده به کینری یک نیز
می تواند به آن ارجاع شود .

دادگاه دادگاه ای امینی مستقل اما شبیه ای از دادگاه دینه است پس آن تصرف است
کینری یک و نه اطفال کینری ای از کینری یک است پس این تصرف است

اگر ملامت مزینتی وجود داشته باشد ، یعنی هم خارج از این ان واقع شده ،
الف) اگر کینری ای است = دادگاه محل دستگیری
ب) اگر کینری ای است = دادگاه تهران

۲۱۴۲

ادله اجابت :

اقرار = اصفیا یا ام اهلست

استماع اقرار = درج در صورت تسمیه + اصفیا رسم حاققا و سبق
اصفا یا ام اهلست

سوارد امتسای علی مشاهده یا اطلاع ؟

۱۱ عدم دسترسی به - آری در جدول گفته می شود که در دسترس است

۱۲ عدم دسترسی به - آری در جدول گفته می شود که در دسترس است

احتیاطی مشاهده یا اطلاع = - اطلاع + عدم دسترسی

امتسای حضور کافی خرد مشاهده یا صنعت = دیداری طولانی یا مکرر

عدم دسترسی به دیدن حضور مشاهده یا اطلاع

دادگاه پایه ۲ اسرار به مشاهده تعیین کند ؟

۱۱ عدم دسترسی به اطلاع دروغ

۱۲ اعزازات دانستی حسادت دروغ

حکمت ؟ تم ادب اعم از سعی یا نبی یا رابطه بنامم و خودی ، تم اطلاع مشاهده را

از این بی خبری

حکمت ؟ اطلاع حسادت - ایمان می تواند = از نبی حسادت طرد

اطلاع اطلاعات مطلع - ایمان می تواند = قطع تم به عنوان احتیاطی

۲۲۴

مست

م ایا حکم از هر بین در اعدا سوال از مشاهده خلاف مقابل وجود دارد

حکمت ؟ عدم آیه اول اطلاع حسادت = آتم ادبی

حکمت ؟ اطلاع حسادت - خود = آتم ادبی یا اعمی

حکمت ، سواحدی که در در خواست مستقیم ، ادبی حضور ، یا عدم اطلاع

خود دادگاه امکان دارد

حکمت ؟ دادستان نیز با اذن دادگاه می تواند از مشاهده سوال کند

حکمت ؟ معلوم است مستحق بودن (حضور در دادگاه) است چون اذن دادگاه

ملازم احصایه برای مشهود باین طرز در ادعای دلالی آن ها و دادستان
باز مطلع شود. کم جنبه این اطلاع، الزام به حسن درجندگی استماع استماع
اجرای کند

۳۳۲

سوءنیت داشتن در آن در این است. اما در کمال آن در این است.

در عقایدش و تقاضای سوخته فقط از سوی ... استماع استماع و دادگاه
بسیار از سوخته دهه.

۳۳۱۴

• سوخته = تمام دادگاه + تردکاهی

علاوه بر این که سوخته کلام خصوصاً برای سوخته شود ۳ اختیار برای دادگاه
اجرای کند؟

۱۱ تغییر وقت و دیگر

۱۲ قاضی تردد هر دو

۱۳ قاضی برای استماع سوخته خیانت دهه

رئیسگی در دادگاه های لیبی کی ؟
شروع به رئیسگی در ۲ جهت است ؟
۱) صدور رأی بر اشدت ترین حد دادستان
۲) قبل از بدو داد منی توسط دادگاه
تعدادی قضای دادستان

۳۳۵۳

حکم در دادگاه قضی ۲ حالت تصدیق است ؟
الف) رئیس دادگاه رأی صادر کند - تخمین تصدیق با داد منی علی الذیل
ب) داد منی علی الذیل رأی صادر کند - قبیله قطعه مواجی جاری دادگاه

۳۳۶۲

حکمت : دادگاه قضی + ارجاع مستقیم در وجه = رئیس دادگاه قضی خارج لیبی صادر
۳۳۷۱

اصولاً رئیس دادگاه قضی تصدیقات رایجی با زیر منی انجام می دهد.
استناد خاصه رئیس جامعه داد منی علی الذیل تصدیق را انجام می دهد.

حکمت : در هر مورد در دادگاه قضی در هر حال صدور کتب فراست با دادستان است.
حکم : تقدیم قبیله به تم قبیله زیم مقام ارجاع دارد ؟

۱۱ رئیس حوزه قضای

۱۲ عادل رئیس حوزه قضای

۱۳ رئیس شعبه ای که سابقه قضای نیست دارد.

حکمت : اصل بر این است که بعد از ارجاع امکان تعیین شعبه وجود دارد.
مفادت اجرای این اصل = مطابقت انتظامی صادره و

حکمت : رعایت اصل فوق الذکر در شعبه صادره در هر حال لازم است.

۱) هیات رئیسگی در همه دادگاه ها از ۲-۳ گانه دارد ؟
۲) سرری بر ای منع یا موقوفه قبیله جامعه = دادگاه قضی و لیبی
۳) دادگاه غرور صالح خدانه = صدور تم از عدم صلاحیت

تم قبایع رسی، فوقی استیلاً چیده در دادگاه مطرح شده ؟
الف) طومین دعوا حضور داره + بیفواست عدلت بخاکته = رسی
ب) طومین دعوا حضور نداره + دادخواست عدلت بی کتبه مرئی
۱۱ کارک دفعه

۱۲ دادخواست صدور جزا

تعیین وقت رسی + اکتشاف

خارجی و روزه از طومین بیفواست کتبه یک ماه بدون تعیین وقت رسی
اقدامات ذیل انجام می شود ؟

۱۱ جرایمی صادر منع تعقیب

۱۲ جرایمی صادر سو تو فی تعقیب

۱۳ جرایمی عدم صلاحیت

۱۴ جرایمی نقص تحقیقات

حکمت : کتبه تحقیقات = ^۱ درخواست از دادسرا یا ^۲ اقدام به کتبه اکتشافی
دادگاه

۳۴۱ پ

حکمت صرف حق که تعیین وقت رسی صورت می گیرد ؟

الف) از تاریخ ابلاغ تا حبس رسی = کمتر از یک هفته خانده

ب) صدور جزا آن تعیین محل اقلت تمام = از اکتشاف اکتبه تا حبس رسی
کمتر از یک ماه خانده

حکمت : حکم رسی خواست جایه برای تمام فرستاده شود

حکمت : اگر آگهی شده به ۲ جهت نوع اقدام قید نمی شود ؟

۱۱ ضافات جا حبس ابقای تمام

۱۲ ضافات جا عدت عمومی

حذف ستم = قیاسی فتنیم عدم حضور + جلیه ستم در صورت غمورت
حذف؛ عدم حضور - ستم + مقادیر اولی الامر م = حسیه در حضور ای
حذف؛ در حقیقت حق الملو، اما در اصل در ای حقایق وجود ندارد.
۳۴۵

حق در غمورتی از و می
۱) در حقیقت با درگاهها به استیلا می یابد = ۳۴۵
۲) اصل کفایت یک دلیل و قدرت تقدیر
۳) در خواست دلیل از مری ستم = قیاسی اولی الامر + امر از عدم بیان + دلیل
تفسیری (تا قدره قانونی از اعتبارات قوه قضاییه)
۴) حسیه نه در دهه دلیل تفسیری = عدم بیان یکی + امر از غمورت =

حذفی های الف ب، و، دت از راه ۳۴۲ = عدم حضور دلیل تفسیری =
غزل دلیل + تفسیر دلیل
حذف؛ حقایق حقیقی فوق الذکر بدون حضور دلیل محال رسیدگی حسیه

حذف اصل بر دلیل تفسیری است. جایز این به سخن تفسیر دلیل در حالت تفسیری
تفسیری شود.
حذفی ای ستم فقط یک بار = درخواست تفسیر دلیل تفسیری

• اصل بر کفایت حضور دلیل برای رسیدگی است. لذا اجاباد استن دلیل حضور ستم
لازم نیست.
استناد؛ حذفی های الف ب، و، دت از راه ۳۴۲، که حضور ستم لازم است.

حذف؛ جهات رد دلیل تفسیری = جهات رد خادری

• اصل بر علیت اولی الامر است.
استناد غیر علیت اولی الامر؛ الف) در حقیقت قابل گذشت درخواست ملزم من (ح) درخواست تفسیری
ب) در حقیقت قابل گذشت و قابل گذشتی که درخواست صورت
۳۴۵

۱۱ امور خاوندی
 ۱۲ چراغ شافقت
 ۱۳ چراغ خلاف اخلاق حسنه
 ۱۴ علی جوان سويب اطفال در اصابه بيمه ۱۰ ایت
 ۱۵ مازنی جوان لعل المسامین سويب خاوندی ایت

انتساب چنان دادگاه در معادله ها ؛
 ۱۱ امور اطفال است مشروط به عدم بیان مستندات طرفین . عوارض و تعین
 اداری را جفا می آید
 ۱۲ انتساب در معادله می آید حکم قطعی باشد چنانچه مستندات طرفین در حکم
 همراه شود = در حکم اعتبار
 خلط ؛ علی جوان = عدم باغ برای حضور
 انتساب ؛ ام از ۱۸ سال صغیر است که حضور جانشین دادگاه باشد

خلط ؛ اصل جنوعیت علیه اداری ، تصویب برای یا ضبط عدالت
 انتساب ؛ دستور رهبری دادگاه

انتساب انتساب مستندات = نفوذ نمایان در همان جنبی یا قطع بصری +
 درخواست دادستان کل کشور + موافقت رهبری قوه قضائیه

• اطفال در قطع دادگاه ؛

الف) از طرف تمام = دستور رهبری اقا خاوند

ب) از طرف منافی = دستور رهبری اقا خاوند

ج) از طرف مبلغ افراده = دستور اخراج

د) از سوی رکن = دستور اخراج + مبنی به دادسرای انتظامی رکن

• هیچ گاه اطفال در قطع دادگاه سويب نمی گنجی جوان نمی شود.

در جازد است بر آن تمام = آرایانه + مامت محدود در دادگاه

حیت نامحدود بر آن رهین دادگاه = جاسین بر رعایت کتبی ؟

۱۱ مادت ۲۵۳ قانون مجازات

۱۲ مین ۲۵۳

تقریباً رسیدگی بر رعایت تمام آرای بر آن رسیدگی به شرح ذیل است :

۱۱ مامت کیفر خواست

۱۲ استماع اظهارات دادستان

۱۳ استماع اظهارات شکلی

۱۴ استماع دفاعیات تمام

۱۵ در صورت انکار یا ملوک تمام تحقیقات توسط دادگاه برای مسدود حقیقت

۱۶ استماع اظهارات شهود دو کارشناسان دیگر همی در محاکمات کتاب مجرم

کتبی ؟ دادگاه کیفر خاص تحقیق کامل دلیل ندارد لذا به ادله کیفر خواست محدود محدود
در برای مسدود حقیقت می تواند هم نوع تحقیق بخواهد .

استعلامه اقرار و صدور آری بر اساس آن منوط به ۲ هم ملامت =

۱۱ صحت اقرار استعدن به واقع بودن آن

۱۲ اختیاری بودن اقرار

کسب مجرم طبر در محاکم رسیدگی = بدون گسایت قابل تقبی جاسه + اعدام دادگاه

به دادستان کارشین حوزه قضای

اطهارات دادستان = درج خلاصه آن در صورت تحقیق

اطهارات در مین رسیدگی = درج مین اظهارات در صورت تحقیق

• در تکلیف من استم اصلی، تمسک به عدل، جارحیت تمسک به

۱۱ اینه از استم اصلی تحقیق می شود

۱۲ اگر کسی در قسم بی خیالیه، نسبت به آن از استم می سازد اگر رسیدگی عیاری

میکنه اینه از ای عیاری در نزدیکی

۱۳ اگر رسیدگی به مرفی ادوات بوسیله اطلاع می شود، اینه از تحقیق آن خاص

اینه از ای صادر می شود.

• اگر شکای، استم در ظاهر، زبان خار می بخوراند = صدمه بود و توبی + ایمان

خبر نه + عدم ایمان سرکشی است.

• شکای، استم در ظاهر، فالسرا یا فاقه کبریت کلام = فرد سود و خرق + ایمان خبر نه

۳۶۷ - ۳۶۸

احم از جنون در اثنای رسیدگی

۱۱ حدود مرسوم و قوی تقیبت نسبت به اصل اتمام

۱۲ اتفاد حقیق را به اتمام حقیق

۳۷۰ م

ارائه دلیل به تومست شکای قبل از ختم داد می = استماع اظهارات دادستان

+ استماع اظهارات استم + اینه آخرین دفاع

ارائه دلیل به قبل از ختم داد، تومست استم = دلیل سوم در استم حقیق

= تکلیف دادگاه به رسیدگی

• ممنوعیت اعلام برائت چاکسیت قبل از ختم رسیدگی.

• ممنوعیت دریافت دلائل رساک بعد از ختم رسیدگی.

به چه صورتی است؟

مطلب مهمی است، در هر مجلسی که نامش این است
اعتقاد بر آنست که طرف یکدست است.

کلیه: رأی = سینه + سینه + سینه
همه دست یکدست، رعایت شد، حکومت تاجران

کلیه: اگر رأی تصویب قطعی شد، مردم این اختیار را تصویب کرده، خواهی
یا نه تمام خواهی هست.

۴۷۴

اگر در مجازات است، دولت مجازات است، مجازات اهل حسن نیست، مجازات
حق اگر هنوز حکم غیر قطعی است، دولت مجازات است، مجازات اهل اطلاع است،
مجازات مجازات اهل جرات قانونی نیست، این امر است آزاد
حکم غیر قطعی، رایج به حسن است، جاسلا یا جاسلای حقیقی.

از زبان آقای رأی تا جاسلای یا کتاب هر روز و بعد از جاسلای یا کتاب
دادگاه اطلاق می شود.

خانت ام ای تسلیم روست دادگاه بدون اصفا = ۳ ماه تا یک سال انفصال

کلیه: سیم رقم = ابلاغ طرف ۳ روز از اصضای دادگاه

و اگر رأی حضوری ابلاغ شود، ابلاغ مجدد لازم نیست.

خط مهم: اطلاع یافتن آقای از طریق ابلاغ محدودیت دارد؟

۱۱ هر ام دوران اطلاع

۱۲ هر ام علیه است

لذا به دلیل محدودیت های فوق، ابلاغ دادگاه حضوری است.

تجمع ۲۵ م ۲۸

تخصیص رأی به ۳ حالت نشان دارد؛
۱ا دادگاه رأی استقامت
۲ درخواست و رفع
۳ درخواست و استناب

این ۳ حالت هم بر وجه رأی قطعی است.
نکته: نقض در رأی اصلی = عدم اعتبار رأی خصمی

نکته: قابل اعتماده بر رأی اصل رأی = قابل اعتماده بر رأی جوان تخصیص رأی

کنیزی یک در ۲ حالت وجود دارد؛
الف: رسیدگی در حدود ادله استقامت
ب: ارجاع مستقیم = تحقیقات نه رأی توسط خود دادگاه کنیزی یک

اگر ارجاع مستقیم بیاورد، کنیزی یک از نظر ترتیبات بر موضوعات منع تعقیب یا سرنگی
تعقیب، امری است که در این موارد باقی میماند، امر رسیدگی صادر می شود (۳۸۳، ۳۸۲)

کنیزی یک در ۲ حالت دلیل جمع عرفی می شود، جای دلیل خصمی تعیین می شود؛
۱ا خبرها الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲
۲ ارجاع مستقیم به دادگاه
نکته: کنیزی یک = حد اکثر ۳ دلیل

نکته: خصوصیت استثنای دلیل القینی در خصوصیت خلی دلیل در کنیزی یک = پس
از تشکیل جلسه

نکته: در تعداد دلا = کفایت حضور خود دلیل
م ۳۸۵
در کنیزی یک هم دلائی علم بین تمام ایم از مدار اعتماده بر رأی خلی خود را طرف امروز جای
به دادگاه تسلیم کنند.
استناد: برای دلیل مستقیم فقط جاریه مدت ۱۰ روز این مدت قابل تجدید است.

۱۱. ادراک اعتباری است از صحت خبری میسر است از طریق درک طایق آنان و نیز نه نمی شود
نه آنچه استناد فایده ای از احاطه ذیل جاهاست ؟
۱۲. کسب از ادب از صحت
۱۳. عادت کردن از ادب از صحت

درگیری با رئیس دادگاه یا یکی از اعضاء و ضمیمه مجمع شورای مسیود
انجام ، ادله و چه طایق پرونده ، اخترف - اروز دارد .
رسول گذارشی = کسب جلسه صحنای اداری
در خصوص موارد ذیل ، رفع نقص ، عدم صلاحیت ، سوء فی القیاس

درگیری با مجمع از شورای عالی و مجمع از شورای کارستان قابل اعتراض
است !

۱۱. عدم صلاحیت = توسط دادستان
۱۲. سوء فی القیاس = هم دادستان و هم صحنای

حیث بدین اعضاء در صورت ضرورت در چند جای الف ، ب ، ج ، د است ۳۳۳
درگیری با امکان دارد
کلیت مجمع درگیری با به تعیین وقت پس از پایان جلسه صحنای فوق به از
رسول پرونده .

عضو مجمع اصولاً درگیری یک لازم است .
امتیاز ؛ اگر مجمع شورای است یا دستم می امکان ندارد + دادگاه حضور را لازم نداند
= کسب جلسه صحنای + رسیدگی صحنای

اگر دادستان اعضاء مجمع را چنان بداند با تقاضای دادستان جهت تعیین
می شود . (بنابر همین از کار روز جاها)

» « کتیب - عیای شرد. لما راسم م استدر عقا الله، رسی عیای حین است .

در حدیث عیای در سغری یب جا یه ۲ هم در هم شرد؛

۱۱ از قبل م، رسی عیای صا در کت

۲۲ نوبت به - اصله - روز آگهی عایه

قد استعان ا رسی عیای = م استذاتی نه م فی حافه = رسی عیای به خاصین

لذک صدر رأی، قواد خضات = ا کتیب + قضا اقلیب به مدر سسل

عوم صواب ا کتیب = اصانه مهران سلسار، توسط تمام ارجاع

کتیب رسی - ۱۱ اخطار به ستم رسی استنفاص در خند بیان

صواب ۱۲ م ائ = اینم فرامست توسط دادستان

۱۳ م ائ = داد فرامست توسط سس

۳۹۵، ۳۹۶

۱۴ تمسیم اتمام رد لایل توسط، مین دادگاه

سیام قضا دادگاه سغری ی ا اخطار به ستم

حق طرح و سس از ره افراد حق دادستان، اینم داره + اجاره مین دادگاه

اطهارات حدود دادستان = موا جدد ستم و نهایی م ا جیان اطهارات

+ اقه آخرین ذناع

کسانی که به استغای علوا برون بدون مانع در دادگاه حاضر می شوند این

مقا ا برای دادستان، ستم رسی ایجادی اشته که در فرست تقوی

از اقال بدون اخطار صورت گیرد

چنانچه دادگاه کسری استنفاً خارج از محل وقوع جرم باشد برای دادسرا

طبق اصول همچنان دادسرای محل وقوع جرم صالح است .

۴۰۰، ۴۰۱، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹

کینه‌ی بی‌دین اطفال = فقط تریبات دادگاه اطفال جایز است کسود
تکالیف کینه‌ی یک = ضبط صدای الزامی + ضبط تصویر شفیع دادگاه +
دستار صنوع + استفاده با اجازه دادگاه
ع.م.ع

اضافه آفتاب‌رئی در همان بخش است =
اصل بر آفتاب‌رئی از مسیر همین دادگاه است =
استناد: همین دادگاه هم در احکام دادگاه که در این صورت شفیع اشک ریخته
ه ادوآ ← هم در احکام است =
کاملاً ← سابقه قضای بیستم دارد

وظیفه شفیع دادگاه ← تمامت دادخواست شفعی خصوصی
قرائن آرای دادگاه

وظیفه همین دادگاه ← تعیین اتمام دادله
تعیین مفاد آرای صادره
ع.م.ع

صنوعیت تنفیذ شدن قبل از اعلام آری = اطفال دادگاه + اطفال شفیع

همه اعدام ملائمت در کینه‌ی یک ، فقط تا قبل از شروع به رسیدگی امکان دارد.
صنوعیت صدور قرار عدم ملائمت در کینه‌ی یک بعد از شروع به رسیدگی .
ع.م.ع

تشریحی

در حق لایحه الت بزرگترین صفت بی‌مصلحت است ب ابر برایت صفتی امکان ندارد
منوط به جمع استرطبات؟
لا کونی ندین راس بر ارباب مجرب است . لا عدم ضرورت تقسیر؟
ع.م.ع

سدر صدر از بی بی بی ۲ مهر زین است ۱: عدم حضور رتیم یارین در جلسه ای

۲: به عذر است ایما در نامه
مستاد و خدیج ۲۰ روز بعد این حجت ۲۱ حجت ۲۲



نکته؟ عدم حضور رتیم در جلسه = زنی حضوری نمی آید جلسه را نمی کند

انتخاب قضاوت دادگاه اطفال اولاً جاری می شود قضایه است
کاملاً کاملاً همان نیست + شایستگی

سؤال آن دادگاه اطفال تخصصان ۱۱ علوم هم می آید دانشمندی
۳ هم مناسبتی ۴ سعد کار اجاقی ۵ دانشمندیان و خبر شنیدن آگهی
با موضوعات تقریبی در آن گسختی فزاید مسائل جایز نیست.

۶ می حوزه قضایی اتمم استفاده کنند.
۷ می کل دادگستری استان ۸ تم انتخاب می کند.
دست انتخاب سؤال آن = ۲ سال + قابل تجدید

نکته؟ ضرورت استفاده از سواد زبان = طفل تمام شود چاره

عدم امکان انجام وظیفه توسط قاضی دادگاه اطفال می از ۲ حالت، ادا؟
۱ جایگزین می شدن، می دادگستری
۲ ضرورت وقت قاضی دیگر

هستی بدون تعیین وقت در دادگاه اطفال
اولاً ارجح در ۶، ۷، ۸
بهم ارجح فایده جازات حسب
کاملاً حاضر کردن رتیم، والدین یا
شماره ۲ است - تعدادی از وکلای دادگستری

اگر من تمام زبان و قریب تمام لغت از سال جوده در زمان رسیدگی ۱۸ سال
یا بالاتر است ، ابلغان خود تمام صورت بگیرد
اصل این است که ابلغان در دادگاه اطفال به والدین ، حسب نسبت قانونی یا
ذمیل صورت بگیرد نه خود تمام

در دادگاه اطفال هزینه اوراق حسودی است . حق آن رسیدگی ، عیای بزرگ طلبه
که در این صورت تمام شود ، غایت رعایت صلوات منقل است .

ذمیل در دادگاه اطفال در جمیع مزاج الزامی است . نه اگر همین شود یا حسود
نیاید ، خود دادگاه اطفال ذمیل تعیین می کند ؛
۱۱ جمیع در صلاحیت دادگاه میفرماید
۱۲ ده یا ارمی می از $\frac{1}{2}$ ده کامل
۱۳ کفیرات در جمیع ۶ در جالات

در هزینه ات ۷ و ۸ اگر ذمیل تعیین نشده ، در کمی یا هم در دست دفاع می آید ، خود
نوجوان اخیر می تواند دفاع نماید .
۴۱۵۲

اصل در عدم حضور طفل است . در رسیدگی به دادخواست مندر در زبان خاموشی
از جمیع
امتناد صورت انتفاع توضیحات

همواره ابلغان ها در دادگاه اطفال باید علاوه بر تمام و شکای به کمی یا هم است
ختم صورت بگیرد
۴۱۶۲

۱۱ اصل اقامت در حوزه دیگر باشد خواه در تمام
خواه بیستم بتواند .

۱۲ در دیگر بران حل وقوع جمیع به دادگاه - دیگر .

۱۳ نظم راستی عمومی = امتداد همین قوه قضاییه
به دادگستری می شود ، + تجویز دیوان عالی کشور

خلفه ؛ حتی بعد از صدور حکم از دادگاه با ارجاع از جمع تحقیقات تمامی جرایم اداری و غیر اداری

۱۰ ارجاع از دادگاه به مراجع ذیصلاح جهت اکتفا به تحقیقات

۱۱ ارجاع از دادگاه به کمیته

الف) ارجاع به کمیته = عضو دینگیه کلیه می باشد

ب) ارجاع به کمیته = اعضای دینگیه ها از دادگاه در وقت اداری اخصیص می باشد

(۱۴) قبول ارجاع در خارج از دادگاه

۱۲ ارجاع از هیئت به هیئت که با هیئت + با قیاده اعضاء اکثریت با هیئت = مجلس اداری

و تقسیم کلی

۱۳ ارجاع از هیئت به هیئت که با هیئت + با قیاده اکثریت می باشد = طرح ارجاع از در هیئت

دیوان عالی کشور + قبول ارجاع = ارجاع به دادگاه جمع عرض ۴۲۵ م

اصلی این است که آراء دادگاه های دیگری قابل تجدید نظر یا خیر می باشد
مگر در موارد زیر استثنائاً رأی قطعی است ؟

۱۱ تجدید درجه ۱

۱۲ درجه جاریست یا بجز آن ها که از ۱/۱۰ درجه کامل

دادگاه تجدید نظر استان - حضور در هیئت + استسار
خرجام خواهی = صلاحیت دیوان عالی کشور

درجه جاریست ملک خان - تهراندیج در رأی است و ارجاعی به مجازات کانونی
خداوند ان در جرایم های جنسی ملک - مجازات کانونی اولیه است . یعنی اگر آن
مجازات قابل تجدید نظر باشد ، جایگزینی جنسی نیز قابل تجدید نظر خواهد بود .

آراء قابل تجدید نظر ؟

۱۱ حکم است ۱۲ جرائم ۱۳ ارجاع تقبی ۱۴ ارجاع تقبی

۱۵ اذعان ۱۶ تعدد صدور حکم

کتاب؟ در خواست و اخوای ما در خواست تجرید نظر خواهی قابل اعتراف
است. ستم و دزدی ایست. رأی به بطلان اصل دعوا قابل تجرید نظر باشد.

آری قابل مباحم خواهی سزا دریم است. سلب آن مجازا ثابت است؟

- ۱۳ حسب بیانات
- ۱۴ هم درجه در بیانات
- ۱۵ در کمال استحقاق علیه با هم مباحم
- ۱۶ هم ایست مباحم و طبیعتی
- ۱۷ عظیم کفایت
- ۱۸ حسب بیانات

کتاب؟ در قتل عمد کدام مجازات عاوی صلب حیات است. قابل مباحم در دیوان
عالی است. اگر چه مجازات سزای در حکم حسن نظری باشد. زعم المأب
در مباحم خواهی مجازات عاوی، قضا است نه مجازات سزای در حکم.

همین کتابی نوشته حق تعالی در نظر مباحم، اما قطعه کتبه سزای در ۲ سوره که بعد از
استطاعت نیز همین است. خواجای است؟

- ۱۱ اعتراف به صلاحت دادگاه
- ۱۲ اعتراف به صلاحت کافی

کتاب؟ اگر در رأی و اجبه به صوت توأمان هم صحت بینی درج گردد،
و هم به کارش، قابل اعتراف بر آن است. قابل اعتراف بر آن
هم جنبه های رأی.

صحت تجرید نظر و مباحم خیر آن کارزد، در خارج است.
در خواست خارج از صلاحت + عذر سوجه = قمار قبولی در خواست.

بجز

حول آراء غیای هم قابل و اخوای و هم قابل تجرید نظر خواهی است،
یعنی اجبه یا کارزد به ای و اخوای و هم پس. کارزد به ای تجرید نظر خواهی وجود
دارد، کارزد تجرید نظر خواهی به آن از لفظه انقضای صلاحت و اخوای
است.

حقاره خواست تجربه خطره تمام جرم می افردن ؟

۱۱ عدم علم علیع
۱۲ دادگستان ا ب ای بی ۳ سرد

۱۳ صالح فیول ادگاه خاخاص
۱۴ عدم توجه به ادله ا ب ای

۱۵ بی اعتباری ادله

۱۶ مخالف با قانون

۱۷ امتداد بیکی از جهات برای تجربه خطره خراهی کافی است . اگر چه دادگاه این گفته را کرده به بیام جمعی که فوق آن بها امتداد خسته پذیر نیستی کند .

۱۸ حدودی دادگاه تجربه خطره در بیان اعلی کسور به ۲ ام است ؟

۱۹ او که فقط به اینه بود اعتراض است رسیدگی کند .

۲۰ کاملاً فقط حدود به رأی صادره باشد .

۲۱ نسبت به جنبه کیفری = درخواست بقا + جزئیه داری

۲۲ نسبت به ضرر و زیان خاخاص از جرم = دادخواست + جزئیه داری + ترمیمات

۲۳ آیین داری داری

۲۴ طرح توانان درخواست ردادخواست = عدم جزئیه داری + عدم رعایت کسرها

۲۵ آیین داری داری

۲۶ حالت توانان ، جزئیه داری جنبه کیفری خاخاص است فقط جنبه حقوقی

۲۷ جزئیه داری خاخاص

۲۸ ادعای اعسار در جزئیه داری = مع صالح (دادگاه جوی صادره شده رأی)

۲۹ + طرح از خود

عاقبت زدهایان از حد فیه دارمی شرط به هم برسد بدان سوخت به زمان
۴۲۲

شعری در خواست - چه در کتب جام جام ؟

اولاً در خواست یا دادخواست به یکی از سه نوع زیر می تواند تقسیم شود :

۱۱ - رفع دادگاه بدوی

۱۲ - دادگاه تجدید نظر

۱۳ - دفتر زدن

کاملاً ثبت شد : ، خارجی در حقیقت هیچ می شود نه این کار هیچ سود کاغذی تجدید نظر
خواهی یا جام جام خواهی است .

کاملاً در هر حال باید به دادگاه بدوی ارسال شود و سپس از آنجا به تجدید نظر یا
دیوان عالی ارسال کرد .

علت ارسال به دادگاه بدوی ، رفع نقص اعقالی است = اعلام طرف ۲ روز +
رفع نقص طرف ۱۰ روز .

چونایچه الف) خارج از حدت باشد با رفع نقص تمامی ،

ارجاع به دفتر بدوی دادگاه = صدور قرار قضی (تعداد درخواست ،

تعداد رد دادخواست) + قابل اعتراض

ماست داد خاری ای باجه ؟

الف) خسته به درخواست = رد درخواست =

ب) خسته به دادخواست = ابطال دادخواست =

خارجی سجدی مجدد به از رد یا ابطال ممنوع است = ۴۴۴

• اگر در حدت تجدید نظر خواهی البته جایی شرط نه دادستان تجدید نظر خواهی
کنند و باجه ، معلوم می آید در تمام اقسام دهد ، دادگاه است کاغذی سبزه

۱۱ - المتعادم حق تجدید نظر خواهی

۱۲ - المتداد درخواست

۱۳ - تمامی تخفیف در استقامت یا استم دلا

دوایم

۴۴۴

حاجه ... قی ... امداد ... از ...

برونده های میفری ۲ برای تجربه تکرار می به تجربه تکرار استخوان می رود و برای این
تجربه تکرار است. (تجربه تکرار می به تمام ارجاع به دیوان وجود دارد. خان
نورانی آراد میفری ۲ برای تمام خواهد به دیوان می رود و در آنجا دیوان را میفری
و حضرت می نماید

جمع تجربه تکرار دادگاه اطفال ۱ = دادگاه تجربه تکرار استخوان
جمع تجربه تکرار میفری ۲ = تجربه اطفال - دیوان عالی سدر (فرجام خواهی + در دادگاه)
سامری ۱

۴۴۴۴

تکرار در فراموشی = تجربه تکرار دادگاه اطفال به بی از تمام جمع میفری ۲ خواهی باشد ؟
۱۱ دفتر دادگاه صادر شده حکم
۱۲ دفتر دادگاه تجربه تکرار استخوان
۱۳ دفتر قانون اصطلاح و تکرار

نقد : تمامی آراد دادگاه اطفال = قابل تجربه تکرار خواهی - اصطلاح قطعی
بدون آراد دادگاه اطفال

مسیره های تجربه تکرار خواهی از دادگاه اطفال ؟
۱۱ توسط زوجان ، دلی جاسم است جا وکیل
۱۲ توسط دادستان اگر مخالف با قانون باشد
۱۳ توسط مدعی خصوصی در کی از بار در زیر ؟

• بی ایت • منع تعقیب • سرخوی تعقیب • علی بن تعقیب
• جانی و برنده • صرا در زبان

رئیس کل دادگستری ، عادلان اد جا ، رئیس شعبه ای به انتخاب او = مقام
ارجاع در دادگاه تجربه تکرار حسب سوره ،
ارجاع = تفسیر حسب + تمیز وصول
استناد ضرورت = خارج از ترتیب

در بیرون خارج از نسبت در نگاه تعبیر نظر = خبری در شنیدن است محضی + در حکمت از آن
صادر شده کسر حکمت + موافقت در نگاه تعبیر از آن

رهن دادگاه چه در حکم جایز از آنجا ، که در آنجا جمع می‌کند + تمام است در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا ، تمام از آنجا صادر شده که از
صادر در آنجا در آنجا در آنجا

- ۱۱ دادگاه ای صادر شده است
- ۱۲ دادگاه بی صادر شده است
- ۱۳ خود دادگاه چه در حکم

اقه لالت دادگاه چه در حکم ؟

الف در مورد قرارها -

- ۱۱ قرار اتخاذ می‌کند + اجازه به دادگاه صادر شده قرار
- ۱۲ قرار را در آنجا + اجازه به دادگاه صادر شده قرار + خارج از نسبت

ب در مورد ملاحظه -

عدم ملاحظه ذاتی جایی = نقض رأی + ارسال به دادگاه صالح +
اعلام به دادگاه صادر شده رأی

ج ا به صورت هم بخوان یا قابل تقاب بخوان = خود دادگاه چه در حکم
رأی صادر می‌کند

۴۵۰۴

تمت در دادگاه چه در حکم ؟

از آنجا که اصل بر این است که حضور هم مین لازم نیست ،

۱۱ اقبه اتم است گزارش توسط یکی از اعضا

۱۲ طرح سؤال و تحقیقات توسط یکی از اعضا

۱۳ تحقیق از مسوود در حلقان

۱۴ اظهارات کارگزاران

۱۵ اظهارات شهادی

۱۶ خریدن دفاع مستقیم یا ردی

نکته: اگر احساناً قصد معینی لازم باشد، دادستان هم نشان از احسان
است و این را در باره احوال جاریه در نظر دارد.

۴۵۱ م

عالمی حل و تحقیق علی بن ... از ۳ سند نیز احام می شود؟
۱) خود دادگاه تجدید نظر

۲) دادگاه کسب فیضان هم برود به آن محل

۴۵۲ م

۳) در خارج از استان حیثیت قضایی به دادگاه جاری محل

اعزام زندانی به دادگاه تجدید نظر = موافقت م جمع قضایی نه زندانی وقت قطعاً است
+ نگهداری وقت در زندان نه دیگر.

تعمیلات دادگاه تجدید نظر؟

۱۱ رأی بدوی را تأیید کند ← اعاده به دادگاه صادر کننده رأی

۱۲ رأی بدوی را نقض کند (به دلیل عدم فیضان یا قابل تقبیض نبودن) ← خود رأی
برایت صادر می کند قطعی آنم مقدم علیه درخواست تجدید نظر کرده باشد.

۱۳ رأی بدوی را مخالف قانون بداند ← دادگاه تجدید نظر ماحیثاً افسای رأی
می کند.

• اقدامات دادگاه تجدید نظر در عدم رعایت مس حیات کیفری؟

۱۱ اصولاً کسب فیضان به اساس رأی صادر نمی بخند. لذا اطلاق و تأیید دادگاه
تجدید نظر + تجدید به دادگاه بدوی

۱۲ کسب فیضان به اساس رأی صادر نمی بخند = نقض رأی

نکته مهم: تطبیق عمل با قانون یا استنباط در نوع یا سطح آن مجازات نه به
اساس رأی صادر نمی سازد، فقط اصلاح و تأیید شده + تجدید به دادگاه
بدوی.

دادگاه تجدید نظر می تواند احدی را سزاوارتر از این تعیین قطعی است.

اصل صحت و حقیقت مجازات در دادگاه تجربه نقل است. اگر آنگاه ۲ قسم مدعی
شود؟ ۱) مجازات از حداقل غیر مجاز است

۲) تجربه تکلیف خواه قضای دادستان باشد که در این صورت؟

توسیع حکم + تعیین حداقل مجازات
۴ ۲۰۸ *

دادگاه تجربه نظری در مجازات است. در صورتی که حکم «خواست تجربه نقل
نکرده باشد»

اصل صدور رأی در همان جلسه است، صدور رأی در یک هفته مأمور
زمان برای انشای رأی است. ضابطه اجراء حکومت انتظامی کدام است؟

۴ ۲۰۹

رئیس قاضی در دادگاه تجربه نظر؟

۱) عدم حضور، نه در بدوی نه در تجدید نظر

۲) عدم ارائه لایحه دفاعیه یا لایحه اعتراضیه

رأی غایب — صحت — در — درخواستی در همان دادگاه

۴ ۲۱۰

صحت = از تاریخ ابلاغ رأی

کمترین دیوان عالی کشور = ۱ رأی + ۲ سزا

صل استعمار = همان

عدالتی توافقی با کمترین سزا باشد.

حیات پیام خدای؟

تقسیم ششم

۱) عدم رعایت قانون

مجازات قانونی

۲) عدم رعایت اصول دادرسی + بی اعتباری رأی

۳) عدم تصدیق مستندات بسیار کم

۱۱ حکم دیوان، اکتایه خند که در این صورت علم ایامی شود
 ۱۲ حکم دیوان، اکتایه خند = صوم پرده در حقیقت عموی است که بی بی +
 ارجاع به منبع دیگر + لزوم بقیه از استیصال حقیقت عموی دیوان عالی شود
 رأی امپاری

۱۳ در سبب واهی آرای قطعی بر پایه حقه است، قصاصت در دیوان، درگاه صاف،
 دادستان، اما کارکلا و تراشه در فراموشی آری در = رویه کندی شرح آری در فراموشی
 رئیس دیوان عالی شود، دادستان کل امپاری است.

۱۴ بی بی است عموی دیوان = چه اصل ۳۳، روحنا، مساران، اعطای عادن
 تمامی شعب + رئیس دیوان = دادستان کل امپاری

رأی در حد رویه بی ای صادر در الزامی است = ؟

- ۱۱ = افع قضای
- ۱۲ = افع عم قضای
- ۱۳ = سبب دیوان

رأی در حد رویه حقیقت به آرای قطعی بی تأخیر است .

استیفا آری وحدت رویه به رأی امپاری صادر حال اجرا نیز قسمی می باشد
 بی از ۲ حالت = ؟

- ۱۱ عمل اجرا نمی گننا شد
- ۱۲ مساعد به حال معلوم است .

رأی در حد رویه جم زدا = مساعد ؟ بر آراء امپاری صادر حال اجرا نیز
 کامل است .

خبر الزای داستان کل یا غایب لو هم دهنیت عمری از باب رجعت روی و حکم از

باب رجعت و احق

تقسیم زنی رجعت روی ۲۵ حالت اسکان دارد؟

۱۱ قانون لاحق

۱۲ آیات رجعت روی لاحق

حجرات اعاده دارد می؟

۱۱ احراز زنده بدولت مقبول

۱۲ عدم اسکان وقوع جرم توسط چند تن

۱۳ نسبت مسکن جرم واحد به چند تن (تعارض در احتساب)

۱۴ اتمام واحد حکم تطاعت

۱۵ اجابت جعل یا مصلحت کذب

۱۶ عادت جرم یا دلیل جرم مثبت یا غایب یا عدم تقصیر

۱۷ جرم نبودن یا جرم از مجازات ثانوی حکم دادن

دیوان عالی کشور در خواست اعاده دادرسی، احوال یا کیمید، جای از ۲ حالت

خواه است؟

۱۱ حجرات اعاده وجود دارد = ارجاع به دادگاه جمع عرض

۱۲ حجرات اعاده وجود ندارد = تمام دادگاه دادرسی

حالت دوم تبیین اعاده دادرسی = رئیس قوه قضائیه + خلاف بین شریع +

تبیین اعاده دادرسی به دیوان + تقصیر متهم

حق در مورد شعب دیوان در مورد تبیین اعاده دادرسی نیز رئیس قوه قضائیه

یا توافقی اعلام خلاف شریع بین نماینده شعب خاص ارجاع دهد.

اختیار فوق الذکر در دستورهای صورت دادگاه حائز وجود دارد.

چهار قسم از سلف و تعدید - بار حق در خواست اعاده دادرسی به دلیل اختلاف

بین متبع در آن بار اول

۱۱ رهن دیوان عالی کشور

۱۲ دادگاه این اول کشور

۱۳ رهن سایر این قضات نیز دعای سلف

۱۴ رهن اول دادگاه استیاضه

نکته: اگر جهت دیگری باشد، محدودیت تعدید بار وجود ندارد.

امداداً قبول اعاده دادرسی یا تعدید آن = به تعویق افتادن اجرا + اقامه
تأمین مناسب

اجازات شرح در حکم حساب میات یا اجازات برنی جائزه = توقف اجرا
همزمان با وصول تقاضای اعاده دادرسی

اگر متبع جمع عرض چهار اعاده دادرسی اوله، اتوی تسعین دره، = تمام وقت
۳ کار و تبعات حکم

متبع جمع عرض، دیگری با اتوی یا کمه یعنی یا تمام حکم نقض می شود یا صحتی
از حکم نقض یا اطلاع می گردد.

فایده ۲ حکم در اعاده دادرسی = ۱۲ اختیار برای دادگاه؟

۱۱ یکی، اقامه دیگری، انقض کند

۱۲ هم در انقض کرده و خود، ای صادر کند

امل این است که به از اعاده دادرسی در هر از صدر حکم، اعاده دادرسی مجدد

منوع است - مگر در ۲ استثناء؟

۱۱ خلاف بین متبع بوده و با سعات قضی فایده باشد

۱۲ رأی برین نیز صادره، رأی قبلی خلاف سعات قضی باشد

۱۱ گذشتیم اسم غیر قابل گذشت به از صورت حکم قطعی؟
یعنی بی بازمانده یا تبدیل به عوارض مناسب است. در فراست علوم علی

صفت و رهنمایی در این مورد در وقت ترویج العاده و حاضر در استان خواهر بود
* ۲۸۳۴

ام ای احکام؟

۱۱ وظیفه ام ا = عادت ام ای احکام + طهارت یا اعتدال وادامان

۱۲ عادت ام ا در حوزه های نفس و جسد دارد و باید بین آن رهنی داده است.

۱۳ تدبیر عادت - ام ا = عافی ام ای احکام + سدکار اجتماعی + شاد ام ا

+ شاد ام ای

۱۴ عافی ام ای احکام = عاقل ۳ سال سابقه خدمت

۱۵ راه سدکاری اجتماعی م فارق التحصیل سدکاری علوم فنی در دانشگاه

جامعه کنایی، هم کنایی، مترقی

اولویت ← رسته سدکاری است (حرمی هستند)

۱۶ راه سبیل کینی و غیر رهنمندی ۳ وظیفه دارد؟

۱۱ ایجاد جاذبه اطلاعاتی = جریان مظهر خود + ستان تحت تعقیب

+ ستان ستواری + مظهران ستواری

۱۲ کینه عورتی های خود + ام ا افسانه + کمون المردمی

۱۳ کینه دار مال در خواست خود + سینه خود را تقویت

۴۸۸۲

وظایف کتبی اجامی احکام

۱۱ دستور اجراء تطاریت در اجراء

۱۲ دستورات برزخانی

۱۳ اعلام نظر در مورد دستور کار ای است

۱۴ وظایف کتبی

۱۵ آفاد کتبی در مورد حکیمان حدیثیه

آرای لازم الامری از ابلاغ عبارته از

۱۱ رأی قطعی دادگاه بدوی

۱۲ حکمت اعتراض متفق شده با درخواست تجدید نظر در دعوای است

۱۳ رأی دادگاه تجدید نظر

۱۴ رأی تأیید شده در محضر جامع

اگر چه در مرام جامع این چنین متعدد در این مورد است که هر یک از رأی
قطعی شود جای اجراء گردد. اگر چه نسبت به صلاح بین دستور اجراء است.
۴۹۱ م

اصل اسناد کتبی در اجراء حکم خاطر به رسمین استعداست و حکم خاطر به یک
کسب از رأی واحد. یعنی متفق از رأی که آماره اجراء است، اجراء شود اگر چه
کسب دیگر قابل اجراء باشد. برای مثال، برای آنکه نسبت به متفق از رأی
تجدید نظر جامع خواهی شده است.

در مورد وظایف اجرائیه استیفاً اجرائی که، یعنی حکمندان صادره ها جای اجرائی
حکم شده، رعیت کتبی اجراء = دستور اجراء + اراءه تعلیمات + تطاریت
۴۹۲ م

فان اجرائی عدم اجرائی دستور کتبی اجراء = تعقیب استیفاً و اجرائی + اجازات

رفع اجماع و اجمال ؟

الف - در صورت نبود اجماع = از ادکاه = ادراک شده
ب - احادیثی که در آن - عاصی اجماعی احکام

اصل - حذو - اجماعی علی مجازات =

استناد اجماعی علی مجازات دادگاه یا هیئت دادرسی است = آنکه اوستای
هم ، نشود از کتاب ، و سابق حکم ، و بیم تبری حکم یا دیگران .

حکم قطعی بر آن اجماع در رأی قطعی شود .

در آورد دستور علی - اجماعی اجماعی شود ؟

۱۱ حکم با الزام قطعی یا در حکم خیار به تسلیم کردن حکوم

*
۳ ۱۱۱۱

۱۲ بیم خیار حاکمی حکم حکوم

بیماری جسمی یا روانی در زمان اجماعی مجازات احکام دارد ؟

۱۱ اجماعی است که بیماری یا تاخیر در رسیدن باشد = تقوی اجماع

۱۲ استیجاب به رسیدن یا یا باشد = درخواست تبدیل به مجازات مناسب از دادگاه

ماده کسبه رأی قطعی

حکوم به از حکم قطعی = تقوی اجماعی از زمان افاقه

اعامت در بیمارستان = حکم دست حسن احتسابی شود

حکوم در اجماعی مجازات های مالی یا تاخیر است

